

قلاش مذبح حانه امپریالیسم امریکارا برای گسترش تروریسم درهم خواهیم

★ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران «اکسپرت» درباره فاجعه انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران اطلاعیه‌ای صادر کرد.
★ بدستمال شهادت دهها تن از مردم زحمتکش منطقه انقلاب ایران از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران در جمعه ۱۰ تیر و جمعه ۱۱ تیر منتشر می‌گردد.

شکست



★ شمع برشکود شهدای فاجعه انفجار توسط سلوویها تن از مردم زحمتکش ایران، مشت محکمی بود بر دهان مزدوران امپریالیسم آمریکا.
در صفحه ۳

موتک بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ازگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران

شماره ۱۱۶ - ۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

((اگسرت))

سال سوم - چهارشنبه ۱۰ آبر ۱۳۶۰

تلاش مذبوحانه امپریالیسم امریکارا برای گسترش تروریسم درهم خواهیم شکست

به دنبال شهادت دهها تن از فرزندان صدیق انقلاب ایران از سوی کمیته مرکزی سازمان تلگرام‌هایی به حضور امام خمینی و آیت‌الله منتظری مخابره شد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" درباره فاجعه انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران اطلاعیه‌ای صادر کرد.



تشییع پرشکوه شهدای فاجعه انفجار توسط میلیونها تن از مردم زحمتکش ایران، مشت محکمی بود بر دهان مزدوران امپریالیسم امریکا.

جلسه وزیران و مسئولان طراز اول جمهوری را به کام مرگ کشاند فوراً و در فردای همان روز (ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه ۸ تیرماه) با بمباران پالایشگاه تبریز توسط بمبافکن‌های عراقی مورد استقبال رژیم صدام قرار گرفت . یک بررسی کوتاه از چگونگی پختن اخبار رویدادهای اخیر توسط بنگامهای سخن‌پراکنی امپریالیستی و تفسیرهایی که طی همین مدت کوتاه از جانب این محافل انتشار یافته‌است شادمانی محافل امپریالیستی و در رأس آن محافل امریکایی را از گسترش موج خشونت و تروریسم نشان می‌دهد .

امپریالیسم امریکا در تلاش مذبوحانه برای به شکست کشاندن انقلاب ایران تاکتیک ایجاد هرج و مرج ، گسترش تروریسم و خرابکاری و پدید آوردن جو ناآمنی و بی‌ثباتی را در درون میهن ما به کار گرفته است . "ریگان" "هیگ" و بسیاری از مقامات عالی‌رتبه امریکایی بارها بطور آشکاری از این تاکتیک سخن گفته‌اند . محاصره نظامی انقلاب ایران ، اعزام ناوگان‌های جنگی به آبهای خلیج فارس تشکیل سپاه واگنر سرب ، تحریک و تشویق رژیم صدام برای تجاوز نظامی ، تدارک کانون‌های دیگری برای تجاوز نظامی به ایران در پاکستان و ترکیه اکنون با اقدامات جنایتکارانه مزدوران امپریالیسم در داخل ، چهره امریکا را به عنوان رهبر و سرکرده تروریسم جهانی آشکارتر ساخته است .

سازمان ما قاطعانه در راه حاکمیت قانون ، حفظ آرامش و امنیت و خنثی کردن توطئه‌های شوم امپریالیسم و آبادی آن می‌کوشد و از اقدامات جمهوری اسلامی در جهت تحقق اهداف فوق قاطعانه حمایت می‌کند . سازمان همچنان بر این باور است که مردم در صحنه‌اند و هشیارانه در صحنه‌اند مردم متحدان در متحدتر هم در صحنه‌ای هستند . این همان مردمی است که تاکنون دهها توطئه امپریالیستی‌ها و ضدانقلاب داخلی را خنثی ساخته‌اند .

امپریالیسم امریکا و متحدان آن بر اجرای همه جانبه قانون و احترام به حقوق فردی و اجتماعی مردم تأکید کند و اوضاع و احوالی را پدیدآورد که امپریالیسم نتواند هدف‌های شوم خود را عملی سازد .

و از هرقدامی که زمینرا برای پیشبرد تاکتیک امپریالیسم فراهم می‌سازد قاطعانه بپرهیزند . ما از همه نیروهای ضد - امپریالیست و آگاه ایران می‌خواهیم که با توجه به شرایط حساس کنونی با صراحت و روشنی بر ضرورت حفظ آرامش و جلوگیری از هر گونه اقدام تحریک‌آمیز تأکید کنند و مواضع خود را در این زمینه اعلام نمایند . دولت جمهوری اسلامی ایران نیز که وظیفه پاسداری و اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد باید با توجه کامل به حساسیت اوضاع و احوال و با توجه به هدف‌های شوم

با توجه به همین واقعیت‌های روشن است که درجه و اهمیت حفظ امنیت ، اجرای قانون اساسی ، ممانعت از هرج و مرج و بی‌قانونی جلوگیری از اقدامات خشونت‌بار و تحریک‌آمیز امروز وظیفه همه نیروهای ضد امپریالیست و در رأس همه وظیفه حکومت جمهوری اسلامی ایران است . همه نیروها و همه کسانی که مدافع استقلال ایران و مدافع جمهوری اسلامی ایران هستند ، همه نیروهای مبارز که خواهان حفظ و گسترش انقلاب‌اند ، باید در جهت خنثی کردن تاکتیک شوم امپریالیسم از اقدامات خشونت‌بار و تحریک‌آمیز از بی‌توجهی به قانون اساسی

در دو هفته اخیر دهها مورد انفجار بمب در تهران ، قم ، ارومیه ، اصفهان ، شیراز ، تبریز و رشت که طی آن مردم عادی نیز جان خود را از دست داده‌اند گزارش شده است . سوءنقد به امام جمعه تهران حجت‌الاسلام خامنه‌ای ، ترور رئیس زندان اوین و جنایتکارانه‌ترین آنها ، انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در کمتر از سه روز متوالی صورت گرفت . اقدام جنایتکارانه انفجار دفتر مرکزی حزب که علاوه بر دکتر بهشتی شی از هفتاد تن از نمایندگان

پیامد حوادث اخیر و عاجل ترین وظایف دولت

انفجار ناجوانمردانه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی توسط مزدوران امپریالیسم که به شهادت ۷۲ نفر از چهره‌های سرشناس جمهوری اسلامی انجامید فضای پرتلاطم و پرتحول ماهیای اخیر را متسما تحت تاثیر خود قرارداد. نا قبل از روز یکشنبه هفتم نیرماه (تاریخ انفجار) موج اعدام‌های عجولانه به دنبال اقدام رهبران مجانبین در صدور اعلامیه‌های تحریک‌آمیز و سازماندهی تظاهرات ۳۰ خرداد ماه و دیگر بی‌آمدهای عزیز بنی‌صدر از اهم مسائلی بود که توجه محافل سیاسی را در ایران و جهان به خود معطوف داشته بود.

شهادت ۷۲ نفر که ...

تنبیه در صفحه ۲

سه اکثر آنان از جمله آیت‌اله

پهشتی از شخصیت‌های بسیار موثر این جمهوری بوده‌اند علیرغم سنگینی ضربه‌های آبی و احساسی و نقصان‌های سیاسی. منطقی نمی‌تواند در روند عمومی تحول اوضاع سیاسی - اجتماعی موجود تاثیرات اساسی برجا بگذارد.

ما در بررسی‌های قبلی نشان دادیم که مضمون اصلی مبارزه میان مدافعان رئیس جمهور و نیروهای پیرو خط امام خمینی در حقیقت امره مبارزه‌ای بود بر سر محدود کردن مواضع طبقه سرمایه‌دار در حکومت و یا حفظ آن مواضع. صورت حقوقی این مبارزه به صورت مبارزه‌ای بر سر اجرای قانون اساسی تجلی یافته بود. زمانی که امام اسما را سال قانون اعلام کرد دیگر به روشنی پیدا بود که یکی از مهمترین نتایج این امر بازبینی گزینن مواضعی از مدافعان رئیس جمهور است که خلاف نظر و مواهده مجلس شورای اسلامی به شایه ارگان قانونگذار جمهوری اسلامی بدان‌ها تفویض شده است.

از این نظر بود که ما گفتیم و تاکید کردیم که ساده لوحانه متروخانه و حتی عوام‌فریبانه است هرگاه به‌سان گروه‌های چپ‌رو، محافل وابسته به بنی‌صدر، لیبرالها، سلطنت‌طلبان و حتی بلندگوهای امپریالیستی و صهیونیستی مضمون به زیرکشدن بنی‌صدر اوج لحام گسیختگی اختناق و اسبهاد " تا حدی که لیبرالها را هم نمی‌تواند تحمل کند قلمداد شود. بسیاری از این جریان‌ها میل بسیار داشتند که این مبارزه به صورت مبارزه‌ای میان ارتجاع و آزادی تصویر شود. ...

در مقطع تسخیر سفارت ما به درستی نشان دادیم

که می‌بایست گسترش موج پیکار ضد امپریالیستی بوده‌ها را قبل از هر چیز در به زیر کشیدن مهندی از ارگان و ادغام کابینه در شورای انقلاب و گسترش مبارزه علیه لیبرالها جستجو کرد. در آن زمان نیز چپ‌روها، از جمله فراگسبون اقلیت که در آن وقت هنوز در سازمان بود، مدعی بودند این قبل از هر چیز یک عوام‌فریبی ضد امپریالیستی است. بی‌طی

به مبارزه‌های خلق و امپریالیسم ندارد و مربوط است به "دعوا میان باثالی‌ها" که همه دشمن مردند.

حذف بازگان و بنی‌صدر از حکومت قبل از هر چیز تحدید بیابایی مواضع بورژوازی در حکومت بود این دو در آخرین تحلیل نقطه امید و محور شکل همه نیروهای مزدور، وابسته سازشکار، خدانابایی و وابسته به امپریالیسم شدند. باین تناوب که بازگان از ابتدا همان بود که می‌نمود و بنی‌صدر با تدبیر چنان شد که شد.

مدافعان سرمایه‌داری و فردپرستان اینطور عکس ویا تبلیغ می‌کنند که کویا همه چیز به این باز می‌گردد که چه کسی در حکومت است؟ حال آنکه مارکسیست‌ها

قبل از همه به این می‌اندیشند که کدام جریان در حکومت است؟ بی‌گمان شخصیت‌ها مهمند اما فقط وقتی که در ارتباط با جریان‌های سیاسی بررسی شوند، حذف یا تغییر موقعیت این‌ها با آن روجل سیاسی زمانی اهمیت خاص پیدا می‌کند که به تغییر در خط مشی و سیاست و سمت‌گیری‌های اساسی حکومت منجر شود، یعنی حاصل پیشرفت پیکار واقعی طبقات باشد. بنی‌صدر یک فرد بود، اما دیدیم که چگونه به زیر کشیدن وی در اولین برخورد همانا شکست یک خط سیاسی خرنده‌به سوی غرب بود. حذف وی شخصا قلبه‌یک جریان بود بر جریان دیگری که هر کدام راه خاص و متمایز خود را در برابر جامعه فرار می‌دادند. حذف بنی‌صدر حذف یک فرد نبود، حذف جریانی بود که "شعار مرگ بر آمریکا را به تدریج رو به فراموشی می‌برد.

مارکسیست‌ها از اساس تروریسم را نفی می‌کنند. زیرا این روش در بهترین حالت رجال سیاسی را حذف می‌کند بدون آنکه اساس خط مشی سیاسی را تغییر دهد. مارکسیست‌ها تروریسم را نشانه پاس و سرخوردگی جریانی می‌شناسند که بدار روی می‌آورد. کسانی تروریسم را می‌پذیرند که دیگر امیدنی به پیروزی خود ندارند. ترور هرچه ندر هم که نیم باشد بازهم بنا به ماهیت خود قادر نیست خط مشی و سیاست مطلوب خود را غلبه دهد.

عمال امپریالیسم با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از جمهوری اسلامی ۷۲ قربانی گرفتند ۷۲ نفری که اکثر آنها از حساس‌ترین مقامات این جمهوری بوده‌اند به کوتاهی که هیچگاه نقش آقای بنی‌صدر در این جمهوری حتی در اوج قدرتش روی نیز با آنان قابل مقایسه نبوده است. می‌دانیم که آقای پهشتی حساس‌ترین نقشی تا را در این جمهوری به عهده داشته است. ۷۷ نفر از شایندگان مجلس که رکی اصلی نهادهای این جمهوری است، در میان شهدا بودند. کابینه آقای رجایی چندین عضو خود را از دست داده است و دیگران نیز بی‌گمان موقعیتی کمتر از دیگران در این جمهوری نداشته‌اند.

جنايت‌کارانی که این حمایت را مرتکب شمرند تا بد برخود پیالند که کسانی را از دور خارج کرده‌اند که بازگان و بنی‌صدر در این جمهوری، به گرد آسان هم نمی‌رسد، مانند. اما این تنها ظاهر مسئله است امام روز قبل از این فاجعه گفت:

هرچه شخصیت‌ها را ترور کردند قدرت مقاومت را در صفوف فشرده ملت بالاتر بردند.

و این بیان عمیق واقعیت است. در این شرایط مشخص، انبند ۷۲ شهید از موثرترین مقامات جمهوری اسلامی برای این جمهوری ضربه سنگینی است. لاکن بسیار خطاست هرگاه تصور کنیم رفتن رهبران حزب جمهوری و نمایندگان مجلس بدینگونه که رفتند نیز غلبه یک

خط بر خط دیگر است یا حتی این رفتن‌ها در اساسی‌ترین سیاست‌های این جمهوری تغییراتی پیدا خواهد آورد. کاملاً قابل پیش‌بینی است که هر یک از مقامات جمهوری اسلامی که بر اثر شهادت این ۷۲ تن خالی مانده است، ترمیم شود. کاملاً قابل پیش‌بینی و قابل درک است که چرا حدود ۷۲ تن از موثرترین مقامات جمهوری اسلامی نتوانند تغییراتی در اساسی سیاست‌ها و گزاینی‌های غالب بر این جمهوری پیدا نمی‌آورد، بلکه به دلایل خاصی که در دست است، در لحظه کنونی موقعیت مجموعه خاکمب را در ارتباط با نوزده مردم مستحکم تر و انضمام آن را بیشتر می‌سازد.

این داوری بر این وضعیت متکی است که انقلاب ما در دوازده گذشته با همه دشواری‌ها و مشکلات جدی که با آن روبرو بوده، با خط امام خمینی که نقش قاطع و تعیین‌کننده‌ای در جمهوری دارد، رهبری می‌شود.

این خط و رهبری به اشکالی پیچیده و متنوع و با "وسایل" متعددی که تنها به حزب جمهوری اسلامی محدود نمی‌گردد، اعمال می‌شود. آقای بنی‌صدر در تمام طول پائیز و زمستان سال گذشته در حالیکه دشمنی خود را با حزب جمهوری پنهان نمی‌کرد، با بهره‌گیری از ظرفیت‌ترین مانورها کوشید بگوید "آخوندها نمی‌گذارند" البته مانور وی کم بی‌نتیجه هم نبود، گو اینکه محاسبات وی درباره توان نیروهایش و توان نیروهای مدافع جمهوری اسلامی از اساس اشتباه بود و همین امر وی را به ارتکاب اشتباهات فاحش و اقدامات ابلهانه‌ای کشید که سقوط وی را بسیار آسان نمود لیکن یک بررسی عینی از اهرم‌های قدرتمندی که پائین کشیدن بنی‌صدر را چنین آسان به فرجام رساند، نشان می‌دهد که شرکت فعال حزب جمهوری اسلامی در جنگ مغلوبه‌ای که علیه "خطی که شعار مرگ بر آمریکا را به تدریج به فراموشی می‌سپرد" موجب تقویت خط امام در این حزب و پیوند بیشتر این خط با توده‌های مردم بوده است. این حقیقت در سخن امام خمینی که با اشاره به فرجام پیکار علیه بنی‌صدر و هواداران او "بر استقلال مجلس و غیرحزبی بودن آن تاکید می‌کند، تبلور یافت.

حرکت قاطع و تیزبینانه امام با بهره‌گیری هوشمندانه از حمایت جنبه به اصطلاح ملی ضربه مولکی بر جنبه متحد ضد جمهوری اسلامی وارد ساخت و این درحالی بود که سرمقاله‌های تایمز و نیویورک تایمز نوشتند که: "حذف بنی‌صدر ایران را به جنگ داخلی می‌کشد." اما اقواگری امپریالیست‌ها نتوانست برای بنی‌صدر کاری بکنند و او سقوط کرد و موقعیت نیروهای خط امام تثبیت شد بی‌آنکه حادثه مهمی رخ دهد.

این کاملاً شایان توجه است که جمهوری اسلامی ایران در لحظه کنونی پس از شهادت ۷۲ تن از برجسته‌ترین مقامات مسئول آن که به دنبال بفریز کشیدن بنی‌صدر و متضخ کردن و متهم ساختن جنبه لیبرالها وقوع یافته است، هم تمام ارگان‌ها که وسایل ضروری پیشبرد سیاست هستند را در دست گرفته و میدان را از "اغیار" نهی ساخته است و هم شور و احساس مثبت مردم را در این لحظه پشتوانه خود ساخته است. در لحظه کنونی حکومت در عین حال که لااقل بر این محور جنبه لیبرالها و متحدین آنها را به عقب‌نشینی‌های جدی واداشته و آنان را از مهم‌ترین ارگان‌های حکومتی به زیر کشیده است، روحیات مردم

کاد ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران

خروش دریای خلق مرگ بر آمریکا

روز سه شنبه ۹ تیرماه در یکی از کم نظیرترین راهپیمایی‌های دو سال ونیم اخیر، مردم قهرمان ایران با خروش دشمن شکن "مرگ بر آمریکا" ۷۲ شهید انقلاب را که در انفجار جنایتکارانه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیده بودند با شکوه فراوان تشییع کردند.

روز سه شنبه اوج نظماهر خشم ملت بود که علیه توطئه‌های آمریکای جنایتکارو ایادی داخلی آن با تهرمانی می‌رزمند. و هر دم مصمم تر از پیش بر خیابان‌ها ریختند تا فریاد "مرگ بر آمریکا" را گویند متر سردهند. تا بلوغ سیاسی خود را که در کوره پیکار علیه امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکای جنایتکار بدان دست یافته‌اند به نمایش بگذارند. در چشمان میلیون‌ها زن و مرد، کودک و بزرگ بر چهره‌شان گرد غم نشسته بود، دیدیم آن شعله مقدس کینه علیه آمریکا را که در روزهای تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا شاهدش بودیم. و شنیدیم خروش دشمن شکن توده میلیونی مردم را در سرودی که با مطلع مرگ بر آمریکا شروع

می‌شد و با "مرگ بر آمریکا" ادامه می‌یافت. امپریالیسم دفعات پیش به عبث گمان برده بود که با گرفتن ۷۲ نفر قربانی از مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی، خواهد توانست آنان را از صحنه بدر کند. لیکن مردم ما بار دیگر در قالب یکی از پرشکوهترین راهپیمایی‌هایشان، ثابت کردند که در برابر آمریکا و مزدوران داخلی آن تنها یک پاسخ دارند. و آن مشت‌های فشرده‌ای است که با خروش "مرگ بر آمریکا" به پوزه آنان فرود می‌آید.

آمام خمینی تصویر زیبا و پرمعنایی از دریای خروشان خلق در روز سه شنبه ارائه داد: "ملت یک دریای بزرگی است. این دریای بزرگی هست و به جای اشخاصی که از صحنه آنها پا شهادت بیرون می‌روند، جنایتکاران آنها را از صحنه بیرون می‌کنند، به جای آنها باز افراد می‌آیند و این سیر خروشان هست تا اینکه آمریکا را و سایر کشورهای را که می‌خواهند ما را طعمه کنند قطع طمع همانها بکنند"



اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

فدائیان خلق (اکثریت) استوارتر از همیشه تحت رهبری امام خمینی علیه آمریکای جنایتکار قاطعانه می‌رزمند، این مشت محکم ما ست بر دهان مزدوران امپریالیسم

"اینان هرچه شخصیت‌ها را ترور نمودند، قدرت مقاومت را در صفوف فشرده ملت بالا بردند."
مردم زحمتکش و همیشه بیدار!

جنایت ددمنشانه مزدوران امپریالیسم آمریکا که با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی دهها تن از فرزندان مبارز خلق ما را به شهادت رسانیده است، تنها یک پاسخ می‌تواند داشته باشد: اتحاد هرچه فشرده‌تر تمام اتحاد ملت همیشه بیدار ما با هر عقیده و مسلکی تحت رهبری امام خمینی علیه امپریالیسم ددمنش آمریکا و همه مزدوران جنایتکار آن.

سازمان ما و همه نیروهای انقلابی با پشتیبانی قاطع خود از امام خمینی، مجلس شورای اسلامی، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای مدافع انقلاب این توطئه‌های مذبحخانه عمال آمریکای جنایتکار را نیز درهم می‌شکنند. این جنایتکاران مزدور بدانند که مردم ایستادمانند و به همین دلیل فرجامی جز شکست و نابودی در انتظارشان نیست. شبکه توطئه‌گران مزدور آمریکا که جای خود دارد، از باباشان امپریالیسم آمریکا نیز هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.

هم میهنان آگاه و مبارز!

میهن ما لحظات حساسی را می‌گذراند. امروز بیش از همیشه وحدت کلمه و وحدت عمل همه ما مهم‌ترین شرط غلبه ما بر دشمنان ددمنشی است که بعد از شکست توطئه‌های طمس و نوزه و بعد از شکست اهداف جنگ هدامی - آمریکائی امروز چون خفاشان شب پرست شیوه ردیلاسه و نامردمی بمب‌گذاری را پیشه کرده‌اند. هدف اصلی این تلاش‌های مذبحخانه ایجاد رعب و وحشت و بی‌ثبات جلوه دادن اوضاع است تا به خیال خام خود زمینه را برای شکست انقلاب و بازگشت عمال خود به حکومت هموار سازند. وقت آن است که همه ما دست در دست بگردیم و با هر عقیده و مسلکی که داریم تحت رهبری قاطعانه امام خمینی این توطئه کثیف و ددمنشانه را نیز در نطفه خفه سازیم.

• هواداران سازمان همدوش و همراه با دیگر نیروهای مدافع انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایران باید تمام هشیاری خود را به کار گیرند. حرکات شبکه مزدوران امپریالیسم آمریکا را دقیقاً زیر نظر بگیرند و هر اطلاعی از طرح‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه آنان به دست آورند، فوراً سپاه پاسداران و سازمان را مطلع سازند.

• در مراسم سوگواری و تشییع این شهیدان انقلاب در سراسر ایران با خروش دشمن شکن مرگ بر آمریکا در تأیید رهبری امام خمینی شرکت کنند. مراسم تشییع و سوگواری فریادی است علیه امپریالیسم آمریکا و جلوه‌ای است از وحدت خلق تحت رهبری امام خمینی.

• از دست زدن به اقدامات خودسرانه، تشنج فرین و نسجیده پرهیز کنیم. حفظ آرامش و جلوگیری از تشنج مهم‌ترین وظایفی است که برعهده ما است.

• عناصر، گروه‌ها و سازمان‌هایی که تاکنون راه کج رفتن را باز هم بسوی انقلاب فراخوانیم. بمب‌گذاری اخیر مزدوران امپریالیسم آمریکا نشان داد که راه کج رهبران سازمان‌ها و گروه‌هایی که برای مبارزه با آمریکا تشکیل شدند، ولی امروز خود را در مقابل این جمهوری و رهبری امام خمینی قرار داده‌اند، تا چه پایه اشتباه و زیانبار است. چه چیز ناسف‌بارتر از اینکه با استفاده از سیاست غلط رهبران این گروه‌ها، شبکه‌های ضد انقلابی مزدور آمریکا فرصت یافتند مردم را در تشخیص عاملین اصلی این جنایات به اشتباه بیاندازد.

شهادت دهها تن از فرزندان مبارز خلق قهرمان ایران بر اثر انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران را به دست مزدوران امپریالیسم آمریکا به خلق قهرمان ایران، به تمام رزمندگان و مدافعان همیشه بیدار این جمهوری و به پیشگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر انقلاب خلفان امام خمینی تبریک و تسلیت می‌گوییم. همه قلم‌ها و مسلسل‌ها را به سوی امپریالیسم آمریکا نشانه رویم.



اقلیت : درسالگشت انشعاب

علت این همه لختی و سستی

اقلیت درست در روز سالگرد انشعاب خود، یعنی روز ۱۳ خرداد سال جاری در سرمقاله نشریه خود تحت عنوان "پیش از توفان" اعتراضی غم‌انگیز را رقم زده است. اقلیت یا نومیدی‌گرفته‌های اعتراف می‌کند:

"بسیار از تحولات موجود عقب مانده است اما قادر است این عقب‌ماندگی خود را جبران کند. و به صورت نیروی فعال در صحنه مبارزه موجود ظاهر گردد... شایسته سازمان‌های انقلابی نیست که نظاره‌گر اوضاع بحرانی موجود و کشمکش جناح‌های ضدانقلابی باقی بمانند. البته مبارزه طبقاتی الزاما آنها را به صحنه مبارزه فعال خواهد کشاند اما اگر لختی و سستی پذیری که امروز این سازمان‌ها را و هواداران آنها را فرا گرفته است جای خود را به تحرک و پویایی ندهد. در نهایت خواسته یا ناخواسته به دنبال این یا آن بلوک متخاصم کشیده خواهند شد..."

و توگویی که تمام دردها و رنج‌های یکساله، تمام ابهامات و تناقضات به‌جامانده و تمام آرزوها و ادعاهای سترون گشته این دوستان سابق ما به نحو تکان‌دهنده در این جملات بیان می‌شود.

این هرگز تصادفی نیست که هواداران اینگونه جزئیات به لختی و سستی تن می‌دهند. هیچ

عصر انقلابی مادی نیست که با اینگونه موضع‌گیری‌های متناقض جریان‌هایی چون اقلیت مواجه شود و بتواند یک خط سیاسی فعال را در میان مردم تبلیغ و ترویج نماید. تمام تحلیل‌ها و تاکتیک‌های اقلیت طی یکساله اخیر فقط به درد ترک صحنه مبارزه و به‌حال خود گذاشتن وقایع می‌خورده است. مروری کنید بر مواضع و رهمودهای اقلیت در برخورد با کودتای نوزدهم جنگ تحمیلی، مناسبات با مائوئیست‌ها، کشمکش جناح بنی‌صدر با امام خمینی و دیگر اساسی‌ترین مسائلی که در یکساله اخیر در جامعه ما روی داده است. و آنگاه پیش وجدان خود قضاوت کنید که این تاکتیک‌ها و این رهمودها چگونه در بهترین حالت به "لختی و سستی" هواداران و در غیر

روز ۱۳ خردادماه پارسال فراکسیون اقلیت که بعد از پلنوم مه‌ماه ۵۸ در سازمان شکل گرفته بود با انتشار نشریه‌های جداگانه اعلام انشعاب کرد و اکنون که حدود یکسال از آن تاریخ می‌گذرد جای آن دارد با نگاهی کوتاه بر آنچه پشت سر نهاده‌ایم لحظه‌ای را روی وضعیت کنونی اقلیت درنگ کنیم و راستای تحول آتی آن را دریابیم.

دید کلی نسبت به ماهیت جمهوری

یکسال و اندی پیش از این ما با اقلیت درباره ماهیت جمهوری اسلامی و حاکمیت آن بحث‌های زیادی داشته‌ایم. آنها معتقد بودند که حکومت ارگان سازشی است میان "دو فراکسیون بورژوازی" مرکب از حزب جمهوری و لیبرالها. آنها همچنین معتقد بودند که چون (بمزمع ایشان) سرمایه‌دار غمروا بسته نداریم، لذا هر دو فراکسیون نماینده بورژوازی وابسته است و از این نظر سراپا ضد خلقی و ارتجاعی و حافظ منافع امپریالیست‌هاست و امپریالیست‌ها هرگز طرح و نقشه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ندارند و نمی‌توانند داشته باشند.

اما واقعیت جز این است و دهها نمونه دیده شده و می‌شود که امپریالیسم و ارتجاع شکست خورده قصد و طرح سرنگونی این جمهوری را در سر دارند. دیدیم که چگونه... این پیشداوری‌های متعصبانه بی‌امون ماهیت حکومت آنها را به تناقض‌گویی کشید و در توصیف دلایل طراحی توطئه کودتای نوزدهم دچار تنگی قافیه شده و گفتند این ارگان سازشی است که هنوز سازش نکرده است. آنگاه که حرف‌های ما با واقعیت جور در نمی‌آید، بسیار طبیعی است که آن حرف‌های بوج و بی‌بوجه باید به کنار نهاده شوند، نه واقعیت‌هایی که سرسختانه خود را بر ما تحمیل می‌کنند. و در عین حال آنان که تحلیلی غیر واقعی از مهم‌ترین واقعیت‌های جامعه ما دارند، قطعا قادر نخواهند بود نقش فعال در مهم‌ترین تحولات جامعه ما برعهده گیرند. آنها دائما از تحولات موجود عقب می‌مانند.

این صورت لامحاله به جانبداری از بنی‌صدر و جناح وی منجر خواهد شد.

اما خطاست که تمام مسئله را به تناقض و ابهام در سیاست اقلیت مربوط بدانیم. دو نکته اساسی در اینجا می‌تواند در کنار سایر علل لختی و سستی هواداران اقلیت و دیگر جنبه‌ها قرار گیرد اول آنکه اقلیت در مقطع انشعاب کوشید به‌گونه‌ای موضع‌گیری کند که تمام مخالفین رهبری سازمان را در یک سازمان متشکل کند. انگیزه‌های همه آنان در مخالفت با کمیته مرکزی سازمان یکسان نبود لذا آنها قادر نبودند با همان عزمی که علیه سازمان تبلیغ می‌کردند، علیه ضدانقلاب

علیه لیبرالها علیه صدام و دیگر دشمنان خلق دست به‌کار شوند. دوم اینکه اساسا تبلیغ و ترویج اقلیت تنها نیروهای شدیداً ضد جمهوری اسلامی را قادر است به هواداری خود جلب نماید. تصور رهبری اقلیت از طرز برخورد هواداران جدید خود با امر مبارزه، تصویری ذهنی است. آنها ناراضی‌ترین ناراضیان این جمهوری به شمار می‌روند. این نیروها، نیروهای سرخورده از مبارزه و مایوس و نومیدند آنها به حقانیت انقلاب باور ندارند لذا نمی‌توانند و نمی‌خواهند آنگونه که اقلیت فکر می‌کند در راه آن از خود مایه بگذارند. آنها نیز درست مثل هزاران بورژوازی ادوکلن زده که برای سعادتمند شدن فقط کف می‌زنند، اهل مبارزه نیستند. آقای بنی‌صدر نیز به غلط از روی تیراز روزنامه‌اش می‌پنداشت چنانچه فرمان دهد "توده‌های خلق" برایش قیام خواهند کرد غافل از آنکه بورژوازی اساسا اهل قیام نیست.

گنج‌گیری در تحلیل موقعیت کنونی

در رابطه با مبارزه حاد و تند و توفندهای که منجر به زیرکشیدن بنی‌صدر از ریاست جمهوری و تحدید مواضع بورژوازی در حکومت شد، نیز رهبران اقلیت تناقض‌گویی و آشفتگی را به سر حد پاره‌گویی کشانیدند. به گوشه‌هایی از آنچه که اقلیت در چهره وقایع اخیر دیده است، نظر اندازیم:

اقلیت : درسالگشت

بقیه از صفحه ۱۰

باید باز هم این گروه‌ها را به سوی انقلاب فرا خوانیم و در همین حال و با تمام قوا در راه سرکوب و تلاش دستجات ضدانقلابی بیگار نمائیم.

با این همه شایان تذکر است که مسئولیت اصلی فجایعی که رخ می‌دهد و اغتشاشاتی که در ذهن مردم ایجاد می‌شود، برعهده سیاست غلط و اشتباهات فاحش رهبران فرصت‌طلب گروه‌هایی است که خود را در برابر این جمهوری و در برابر امام خمینی قرار داده‌اند. رهبران این گروه‌ها هستند که با "مرگ بر بهشتی" گفتن‌ها، با "مرگ بر حزب جمهوری" گفتن‌ها ذهن مردم

را در شناخت مسین بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری، در شناخت عمل مزدور امپریالیسم آمریکا مخدوش و منحرف می‌سازند. وقایع روزهای اخیر نشان می‌دهد که چگونه هر کس که شعار سرنگونی حاکمیت را در دستور بداند، چه بخواند، و چه نخواهد، با هر نیتی که باشد، با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق ما، با مزدوران و عوامل خودفروخته آن، با شبکه‌های بمب‌گذار و تروریست، هم‌زمانی و همدلی می‌کند. باز اصلی عواقبی که این شعارهای منحرف برای سرنوشته این سازمان‌ها و برای هواداران و اعضای صادق آنها به وجود می‌آورد برعهده رهبران فرصت‌طلب و کج‌اندیش این گروه‌هاست.

.....

این "شوراهای انقلابی" در شمار شما به واقع چه تفاوتی با آن "پستانک لاستیکی" دارد که بورژوازی در دهان شما و امثال شما گذاشته است و شما هم ساده‌دلانه آن را به خورد پیروان ساده‌دل خود داده‌اید. خدا رحم کند به حال کسانی که از اقدامات ضدانقلابی و ضد مردمی باندهای بمب‌انداز، خوانین مسلح فارس و خراسان و دیگر جاها و قاسملوهای جانیگار گرفته تا فجایع رژیم صدام و دیگر مرتجعین دست‌نشانده آمریکا را همگی "خیزش انقلابی توده‌ها" می‌نامند و فکر می‌کنند این احتمال هم وجود دارد که از این میان برایشان "شوراهای انقلابی" بیرون بیاید!

هیچ عنصر سیاسی تا امروز یا یه‌گوشی را تا بدین درجه ساده‌لوحانه در خدمت اهداف عاجل امپریالیسم قرار نداده است. آیا شما واقعا باورتان شده است که مردم نمی‌خواهند و حکومت هم نمی‌تواند؟ آیا واقعا فکر می‌کنید توده‌ها آماده‌اند تمام قدرت را به دست شوراهای انقلابی خلق ختم آنهم تحت رهبری امثال شما بگذارند؟! از خانه‌هایشان بیرون بیایید، چشم بکشید تا ببینید که قبل از توده‌ها این بورژوازی و بزرگ‌مالکین عمده هستند که این حکومت را نمی‌خواهند.

.....

.....

آیا می‌توان امیدوار بود که این گروه نیز بر مشکلات و موانعی که برای پیوستن به جنبه انقلاب بر سر راه دارد، فائق آید؟ ما هنوز قطعا باید امیدوار باشیم که عکس این رخ ندهد اما برای اینکه ارزیابی دقیق‌تری از آینده این جریان ترسیم کنیم، هنوز باید تحولات بیشتری را در دیدگاه‌ها و قضاوت وی شاهد باشیم. به هر تقدیر با شناخت نسبتا روشنی که از ترکیب و سمت‌گیری طبقاتی رهبران اقلیت در دست داریم ساده‌انگارانه است هرگاه تصور کنیم که این جریان قادر خواهد شد فی‌الجمله سرعت خود را از قید دیوارهایی که بین خود و اردوی انقلاب کشیده است، رها سازد.

نه لیبرالها چون هیچکدام آلترناتیو قدرت نیستند. می‌ماند سرمایه‌داران بزرگ، ملاکین عمده، بازمندگان رژیم سابق و (برخلاف نظر شما) متحدین نزدیک آنها، لیبرالها. آیا شما واقعا می‌خواهید از این فتنش روی کسار بپایند؟ حقیقت را بخواهید گوشه‌ای اصلا برای شما تفاوتی نمی‌کند که چه کسی برود و چه کسی بماند! فعلا اینها بروند، ابلیس هم نباید بهتر از اینهاست! آیا واقعا چنین است؟ آیا واقعا دولت موقت بهتر از اینهاست؟ آیا رژیم شاه بهتر از اینهاست؟

ما سخت‌ترین و صریح‌ترین انتقادات را نسبت به عملکردهای حزب جمهوری تاکنون به عمل آورده‌ایم اما در عین حال می‌دانیم که سرمایه‌داران شمال‌شهرنشین هر شب گوش خود را به رادیو بی‌بی‌سی و رادیو آمریکا چسبانده‌اند تا حیرشاد و شورانگیز سقوط این جمهوری را از زبان اربابانشان بشنوند. چطور شما به خود جرات می‌دهید داد و قال روزشبهه ۳ خرداد را "خیزش انقلابی توده‌ها" بنامید؟ در حالیکه می‌دانید پرشورترین و سرسخت‌ترین مدافعان این جنجال‌ها که آماده‌اند از آن کوهی بپازند، سرمایه‌داران و نجار گردن‌کلفت بازار، باندهای ضدانقلابی و محافل امپریالیسم آمریکا بوده‌اند.

پستانک لاستیکی برای هم‌زمانی با امپریالیسم

و سرانجام تازه‌ترین سقوط بی‌وقفه اقلیت با شعار مسخره، متناقض و در عین حال ناسف‌بار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسموی تشکیل مجلس موسسان" و صدور اعلامیه ۸ تیر آنهاست.

شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی"، شعار امپریالیسم آمریکا، شعار سلطنت‌طلبان، شعار لیبرالها، شعار جنبه متحد ضدانقلاب است. آنها هم مثل شما با این شعار مشروعیت و قانونیت این جمهوری و رهبری امام خمینی را مورد تهاجم قرار داده و می‌دهند. دست شما با این شعار چنانکه خود شما نیز در همین نشریه‌تان اعتراف کرده‌اید، در دست عمال آمریکا، شبکه‌های تروریستی سلطنت‌طلبان، دستجات و احزاب و دفاتر لیبرالی است.

شما در اعلامیه ۸ تیر خود نوشته‌اید: "... در لحظه کنونی این حزب خطرناک‌ترین دشمن توده‌هاست. بنابراین باید سرسختانه به مقابله با آن برخاست."

تنها و تنها مبارزه و پیگیری شماست که می‌تواند حزب جمهوری اسلامی و همه مرتجعین را به گورستان تاریخ بپسارد.

چه چیز از این مصیبت‌بارتر؟ چقدر ما تاکنون گفتیم که این سیاست کج و معیوب امثال شما، مردم را در شناخت عاملین اصلی بمب‌گذاری‌ها و ماهیت پلید باندهای سلطنت‌طلب گمراه کرده و می‌کند؟ ما که شما را خوب می‌شناسیم نیک می‌دانیم که تاکتیک کنونی امثال شما از این جور کارها نیست. ما می‌دانیم، گفتیم و می‌گوئیم که اشتباه خطرناک جمهوری اسلامی ایران آن است که عاملین جنایات اخیر و به‌ویژه بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را با گروه‌های چپ‌رو نادان مربوط کند. باید حساب گروه‌های کج‌بین و کج‌روش را از سلطنت‌طلبان و شبکه‌های سازمان‌یافته ضدانقلاب و تروریست، جدا کنیم.

* و توده‌ها بیش از پیش به عرصه مبارزه آشکار با رژیم روی می‌آورند. چشم‌اندازهایی که انتظارش در خیزش انقلابی توده‌ها می‌رفت، اکنون نمودار می‌گردد...

* لیبرالها دیگر با توجه به اوضاع سیاسی موجود و تجربیات توده‌ها، نمی‌توانند آلترناتیو قدرت باشند. اینجاست که نقش نیروهای انقلابی

به‌ویژه پیگیرترین آنها در اوضاع بحرانی کنونی خود را نشان می‌دهد.

* نیروهای انقلابی هنوز در پراکندگی و ضعف و فقدان پایه‌توده‌ای نیرومند بسر می‌برند.

* اختناق و سرکوب سراسری حزب و یورش همه جانبه پاسداران سرمایه به حقوق دمکراتیک توده‌ها و آزادی‌های سیاسی ابعادی گسترده یافته است.

* آنگونه که از شواهد امر پیداست، این سیاست متمرکز در جهت سرکوب توده‌ها مورد تأیید امپریالیسم آمریکا و سران مزدور ارتش نیز قرار دارد.

* امروز همه نیروهای اپوزیسیون اعم از نیروهای انقلابی و لیبرالهای ضدانقلابی شمار "مرگ بر حزب جمهوری" را می‌پذیرند...

* شعار سرنگونی حاکمیت در دستور قرار گرفته است.

(این نقل‌قول‌ها از کار اقلیت شماره‌های ۱۱۴ و ۱۱۵ انتخاب شده است.)

این حرفهای مهنوش سردرگم به چه معناست؟ اینها واقعا چه می‌گویند؟ آیا این واقعا توده‌ها هستند که "به عرصه مبارزه آشکار با رژیم روی می‌آورند" یا پلان‌روش‌های بازار؟ یا خسرو خان قشقای؟ یا دار و دست جبهه ملی و نهضت آزادی و دفتر هماهنگی؟ آیا این است‌الله‌قمی‌ها و برعتمداری‌ها و هم‌پرازان ایشان هستند که به عرصه مبارزه آشکار با این رژیم روی می‌آورند؟ یا خیل عظیم پابرهنگان و کوخ - نشتیان؟ آیا امپریالیسم ددمنست آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است که مدتهاست به مبارزه آشکار با "این رژیم" روی آورده‌اند یا توده‌های زحمتکش خلق؟ آیا این یک خیزش ضدانقلابی است که در دو سال گذشته مدام علیه این جمهوری توطئه کرده است یا یک خیزش انقلابی؟!

شما وقایع اخیر را "یورش همه‌جانبه پاسداران سرمایه به حقوق دمکراتیک توده‌ها" نامیده‌اید. چه می‌گویند؟ چگونه می‌توانید این حقیقت را پنهان کنید آنچه که شما به آن "خیزش انقلابی توده‌ها" می‌گوئید. در واقع تلاش مذبوحانه‌ای بوده‌است از جانب محافل سرمایه‌داران و ملاکین برای حفظ بنی‌صدر و موقعیت حامیان وی در حکومت. (کسی که روزنامه آرزور آشکارا سقوط وی را سقوط آخرین نقطه امید دنیای آزاد در ایران نامیده است) به انضمام ناشی‌گری بسیار زیانبار و خطرناک رهبران درین‌بست قرار گرفته مجاهدین خلق که به‌هواهای ماهی گرفتن از آبی که آن را گل-آلود پنداشتند، خود را همدست مهدی پازرگان‌ها کرده‌اند. شما از یک طرف می‌گوئید "خیزش انقلابی توده‌ها نمودار می‌گردد" از طرف دیگر می‌گوئید نیروهای انقلابی پایه توده‌ای ندارند! لیبرالها هم آلترناتیو قدرت نیستند، شعار سرنگونی حاکمیت را هم در دستور قرار داده‌اید. شما می‌خواهید این حکومت را بپاندازید اما خود شما اذعان دارید که جای آن را نه نیروهای به اصطلاح "انقلابی" می‌گیرند و

حضور محترم بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی

فاجعه جانگداز شهادت دهها تن از فرزندان مبارز مردم قهرمان ایران را به حضور رهبر عالیقدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تبریک و تسلیت می‌گوئیم. این جنایت فجیع و تلاش مذبحخانه عمال امپریالیسم امریکا قطعاً عزم استوار مردم قهرمان و بهاخاسته ایران را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استوارتر خواهد ساخت.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در این موقعیت خطیر با عزم استوار در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی تا پای جان همراه مردم همیشه بیدار در مقابل توطئه امپریالیسم جنایتکار امریکا و آبادی آن ایستاده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۰

حضور محترم آیت الله منتظری

فاجعه جانگداز شهادت دهها تن از فرزندان مبارز مردم قهرمان ایران را به حضور آن فقیه عالیقدر تبریک و تسلیت می‌گوئیم. شهادت بیداری‌آفرین این فرزندان خلق، از جمله فرزندان عزیزتان که همواره رهرو صدیق انقلاب و خلق بود، ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم امریکا و مزدورانش را آشکارتر کرده و قطعاً عزم استوار مردم قهرمان و بهاخاسته ایران را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران استوارتر خواهد ساخت.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در این موقعیت خطیر بار دیگر عزم استوار خود را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌دارد. فدائیان خلق "اکثریت" همراه مردم همیشه بیدار ایران، استوارتر از همیشه تحت رهبری امام خمینی علیه امریکای جنایتکار قاطعانه می‌رزند. این مشت محکم ماست بر دهان مزدوران امپریالیسم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
دوشنبه ۸ تیر ۱۳۶۰

سوء قصد به حجت الاسلام سید علی خامنه‌ای جزئی از توطئه امپریالیسم امریکا

عوامل ضدانقلاب و دشمنان جمهوری اسلامی ایران بار دیگر به توطئه‌چینی پرداخته و حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای امام جمعه تهران و نماینده امام در شورای عالی دفاع را مورد سوء قصد قرار دادند.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" سوء قصد جنایتکارانه به حجت‌الاسلام خامنه‌ای را محکوم می‌کند. امپریالیسم امریکا و عوامل آن با چنین اقداماتی به گسترش جو خشونت و تروریسم دامن می‌زنند، اقداماتی از این قبیل برای ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای روی کار آوردن دولت وابسته به امپریالیسم است. ما ضمن ابراز تأسف از وقوع این حادثه، بهبود هرچه سریع‌تر آقای خامنه‌ای را آرزو مندیم.

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
یکشنبه ۷ تیرماه ۱۳۶۰

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ازگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران
(اکتسریت)

سال سوم - چهارشنبه ۱۷ تیر ۱۳۶۰

شماره ۱۱۷ - ۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

در انتخابات ریاست جمهوری فعالانه شرکت کنیم

در صفحه ۲

مروری بر دو سال ونیم تجربه

موضوع انتخاب رئیس
جمهور اکنون مورد توجه همه
سازمانها و احزاب و محافل
سیاسی و توده‌های وسیع خلق
است.

خلق از رئیس جمهور چه می‌خواهد؟

از آنچه گفته شد پیداست
که از اینجانب انقلاب دو قطب
و دو گرایش دست اندر کار
بوده‌اند. قطبی که در یک
کلام می‌خواست امپریالیسم
را از زیر ضرب خارج کند و
راه سلطه کامل وی را هموار
سازد و قطبی که نمی‌خواست
چنین شود.
اکنون در آستانه انتخاب
رئیس جمهور جدید، باید
دید چه کسی را انتخاب کنیم
که نگذارد امپریالیسم به
فراموشی سپرده شود؟ چه
کسی را انتخاب کنیم که واقعا
و در عمل به شعار استقلال و
آزادی پایبند و در فکر حال
و روز زحمتکشان مبهین باشد.
کسی که در هر مسئله جانب
سرمایه‌دار و نفوذال را نگیرد.

خوشبختانه امروز بعد از
گذشت دو سال و نیم از
انقلاب، شناخت همه
نیروهای مدافع انقلاب از
عناصر و شخصیت‌های سیاسی
بیشتر شده است.

امروز کسی که دارای این
ویژگی‌هاست صلاحیت اشغال
مقام ریاست جمهوری اسلامی
ایران را داراست. کسی که
این ویژگی‌ها و مختصات را
دارا باشد، مدافع و
پشتیبان پیگیر خط ضد
امپریالیستی و مردمی امام
خمینی است. زیرا این
یک واقعیت است که نقطه
انکای اصلی تمام نیروهای
که در دو ساله اخیر علیه
جریان سازش و گرایش مدافع
سرمایه‌داران و نفوذال‌ها
مبارزه کرده‌اند، مشخصا
و در عمل رهبری امام خمینی
بوده‌است. کسی که این
ویژگی‌ها و مختصات را دارا
باشد، پیرو راستین خط امام
است.

از این نظر فدائیان خلق
ایران "اکثریت" که امکان
گزینش رئیس جمهوری که
دارای این ویژگی‌ها باشد را
به لحاظ تناسب قوای موجود
فراهم می‌بینند. در انتخاب
ریاست جمهوری شرکت
می‌کنند و به کسی رای

می‌دهند که حتی الامکان از
ویژگی‌های فوق بهره‌مند
باشد

تحریم انتخابات فکتیو لیبرالی است

اما چرا وظیفه نیروهای
انقلابی است که در انتخابات
شرکت کنند؟ زیرا انتخاب
رئیس جمهوری درحقیقت
چیدن میوه‌ای مبارزاتی است
که علیه جریان متعایل به
غرب و مدافع سرمایه‌داران و
ملاکین در جمهوری اسلامی
ایران در دو ساله اخیر جریان
داشته است.

کاندیدای جداگانه قطب انقلابی کاذب است

در زمستان سال ۵۸ مسعود
رجوی از سازمان مجاهدین
خلق خود را کاندیدای
ریاست جمهوری اعلام کرد.
و مورد حمایت طیف
نیروهایی قرار گرفت که جای
واقعی اکثر آنان در اردوی
انقلاب بود. سازمان ما نیز
در آن زمان از وی حمایت
کرد. دلیلی که آن زمان
برای تائید این اقدام عنوان
می‌شد، آن بود که می‌بایست

در برابر "قدرت حاکم" و
لیبرالها یک "قطب انقلابی"
ایجاد کرد و "همه نیروهای
واقعا انقلابی" را حول آن
مشکل نمود. لکن این طرح
با حذف مسعود رجوی
نیمه‌کاره ماند. اکنون ببینیم
آیا واقعا این سیاست،
سیاستی درست و اصولی بوده
است؟ به اعتقاد ما پاسخ به
این سؤال منفی است.
سیاست درست آن بود که
کوشش می‌شد همه نیروهای
ضدامپریالیست و انقلابی
خلق با توجه به تناسب قوای
عملی موجود حول یک
کاندیدای واحد متحد
می‌شدند. کاندیدایی که
قبل از هر چیز بیانگر
سیاستها و گرایش‌های غالب
برجبهه نیروهای ضد
امپریالیستی خلق در شرایط
کنونی باشد. این کاندیدا
طبعاً می‌بایست از میان
نزدیکترین فرد به نیروهای
پیرو خط امام که خط غالب
بر انقلاب است، انتخاب
می‌شد.

اعلام کاندیداتوری
نیروهای انقلابی بیرون
حاکمیت در شرایط فعلی تنها
به شکل‌گیری یک قطب
انقلابی منجر نمی‌شود،
بلکه مشخصا این جبهه‌بندی
را از مضمون خود تهی و آن

را از سایر نیروهای انقلاب
دور و به یک "قطب انقلابی
کاذب" بدل می‌سازد.
ما قانون اساسی
جمهوری اسلامی را با حفظ
انتقادات اصولی خود
پذیرفته‌ایم و خواهان التزام
همگان به این قانون هستیم
یکی از اساسی‌ترین انتقادات
به این قانون آن است که به
همه عناصر و جریان‌های
سیاسی مدافع انقلاب و
جمهوری اسلامی ایران حق
معرفی کاندیدای ریاست
جمهوری نمی‌دهد. این
محدودیتی است نامعقول و
غیرعادلانه و نافی اراده
مردم و آرمان‌های انقلاب
زیرا که فقط برای پیروان
شناخته شده مذهب تشیع
حق نامزدی فاعل است. لکن
اولا حتی با وجود این
محدودیت نیز شرکت در
انتخابات اصولی است، ثانیا
حتی در نبود این محدودیت
نیز در شرایط فعلی اسلام
کاندیدای جداگانه از جانب
گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی
عملی نادرست است.

سازمان ما در انتخابات
میان دوره‌های مجلس نیز شرکت
می‌کند. رهوس سیاست
سازمان در این زمینه نیز
هفته آینده درج می‌شود.



دولت باید با برخورد مسئولانه به تشنج در پالایشگاه شیراز و اصفهان پایان دهد

● در هفته اول ترمزهای پار
دیگر شاهد ایجاد تشنج در
پالایشگاههای شیراز و
اصفهان بودیم. همانگونه
که قبلاً نیز در کار اشاره
شده بود، در نیمه اول
خرداد ماه، شورای کارمندان
پالایشگاه شیراز بدون اعتناء
به توافقهای حاصله میان
نمایندگان شوراهای نفت
(پالایشگاههای ایران)، به
نحوی غیرمسئولانه و بطور
شتابزده به حرکات اعتراضی
و طرح خواستههایی چند
دست می‌زدند و دیدیم که
چگونه به دنبال آن
نمایندگان مترقی و متعهد
"کمیته پیگیری (سراسری)"
به طرق گوناگون کوشیدند تا
با تعدیل آن خواسته‌ها در
چارچوبی منطقی و اتخاذ
روشهای مسئولانه در طرح
و پیگیری این مطالبات،
ماجرای خرابکارانه عناصر
این طریق از بروز آشوب و از
تشنج در پالایشگاهها
جلوگیری کند. اما برخی
عناصر که متأسفانه در مواضع

رهبری شوراهای
پالایشگاههای شیراز و
اصفهان نیز قرار دارند، در
دام توطئه‌های لیبرالی
افتاده و با حرکات اعتشاش
آفرین خود در جلسات مجمع
عمومی کارکنان، اقدام
شتابزده و ناسنجیده "تحریم
غذای رستوران" را به
کارکنان تحمیل نمودند.
پس از آن نیز ضدانقلابیون
لیبرالها و چپ‌روها کوشیدند
تا به منظور تشدید جو تشنج
و درگیری در سطح جامعه،
به وسایل مختلف این
اعتصاب غذا را به
پالایشگاههای دیگر از جمله
پالایشگاه تهران سرایت دهند
در نتیجه اینگونه تشبثات
اخلالگرانه در تاریخ ۶ تیر
تعدادی از کارکنان کنترل
۲ جنوبی و شمالی و روغن
سازی پالایشگاه تهران نیز
دست به تحریم غذای
رستوران زدند. اگرچه این
اقدامات تحت تأثیر
رویدادهای دو هفته اخیر،
به‌ویژه شهادت ۲۲ تن از
مسئولین دولت جمهوری

اسلامی فروکش کرد، لیکن
از آنجا که زمینه اصلی این
قبیل حرکات همچنان باقی
است. ما تذکر نکات زیر را
ضروری می‌شماریم:
۱- اگر طرح خواسته‌های
کارکنان با توجه به تنگناهای
مبني کتونی در انطباق با
مقتضیات و امکانات واقعی
صورت گرفته باشد و اگر در
پیگیری آنها از شیوه‌های
سنجیده و منطقی (منطبق
با مصالح انقلاب) استفاده
شود، ضدانقلابیون و
مدیران لیبرال و عناصر
ماجرای هرگز نمی‌توانند با
مطالبات کارگران وارد میدان
شده و با ایجاد آشوب و
تشنج مقاصد خرابکارانه
بیوشانند.
۲- همچنین مسئولین
دولتی و به‌ویژه دست
اندرکاران صنعت نفت باید
در شیوه‌های تنگ‌نظرانه و
غیرمسئولانه خود

برخورد با خواسته‌های
کارکنان پالایشگاهها تجدید
نظر اساسی نموده و بیش از
این با عطاها و سماحه -
کاری‌های خود راه را بر
توطئه‌های ضدانقلاب و
لیبرالها هموار ننمایند.
بدون تردید نفتگران قهرمان
میهن ما همانگونه که تاکنون
در جریان تدارک و به‌روزی
انقلاب میهن و پس از آن
در جریان تداوم و گسترش
آن و به‌ویژه در جنگ مقاومت
کتونی علیه تجاوز امریکائی
رژیم صدام (در جبهه و
پشت جبهه) نشان داده‌اند
حاضر به تحمل دشواری‌ها و
ایزاز فداکاری‌های عظیم در
راه اهداف انقلاب هستند
لیکن این مسئله هیچگاه به
معنای آن نبود که مسئولین
امور دست برد بر سینه
خواسته‌های منطقی و بحقی
بزنند که پاسخ در خور و
عاقبت به آنها در شرایط
کتونی نه‌تنها مقدور است
بلکه ضرورت تحکیم و تداوم
انقلاب ما نیز می‌باشد. از
این گذشته، همانگونه که قبلاً

نیز متذکر شدیم. مقامات
مسئول دولت و شرکت نفت
به بهانه به رسمیت نشناختن
شوراهای نماینی به مذاکره
بانمایندگان شوراهای نشان
نمی‌دهند و این امر به
تحرکات ضدانقلابیون،
لیبرالها و چپ‌روها بیش از
پیش میدان می‌دهد.
اینگونه بهانه‌جویی‌ها، آن
هم در شرایط حساس کتونی
تنها به سود دشمنان انقلاب
بوده و وضع را بیش از پیش
بخرنج می‌نماید.
همچنین باید به نقش مخرب
مدیران لیبرال در ایجاد
و گسترش جو تشنج در
پالایشگاههای سراسر کشور
توجه داشته و با اتخاذ
تدابیر انقلابی قاطع،
کمترین مجال کارشکنی و
اخلال را (به‌ویژه در
واحدهای استراتژیکی از
قبیل صنعت نفت) به آنها
ندهد.

تدوین و اجرای قانون تأمین اجتماعی
(مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی)
خواست همه کارگران و زحمتکشان است

مطابق اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی:
"برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی بیکار، پیری از کار
افتادگی بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات
بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.
دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و ... خدمات و
حمایت‌های مالی فوق را برای یکیک افراد کشور تأمین کند."



بمب گذاری ضد انقلاب نشانه ضعف و زبونی دشمنان انقلاب است

« - هواداران سازمان در قم در رابطه با فاجعه بمب گذاری عناصر ضدانقلاب در ایستگاه راه آهن قم اعلامیه های منتشر کردند و در آن خطاب به مردم تهران قم یادآور شده اند :
" ... انفجار سالن انتظار راه آهن قم جزئی از نقشه های توطئه گرانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است این اقدام جنایتکارانه که منجر به شهادت و زخمی شدن دهها نفر از هموطنان ماستدبا هدف گسترش و دامن زدن به جو ناامنی انجام گرفته است . باید با هوشیاری از اینگونه دسیسه های امپریالیسم و مزدوران آن جهت کشف و خنثی کردن اینگونه اقدامات و متلاشی ساختن شبکه های ضدانقلابی ، به ارگان های مسئول جمهوری اسلامی یاری رسانیم

می خواهیم از رنج کردستان

سخن بگویم

که رنج سوختن در کنار کوره‌ها

در مقابلش ناچیز است

نویسندگان محترم روزنامه کار
من یک کارگر هستم که برای پیدا کردن لقمه‌ای نان از یکی از بخش‌های دورافتاده کردستان به کوره‌پزخانه‌ای در اطراف تهران آمده‌ام. نشریه کار را می‌خوانم و مدت‌هاست که دلم می‌خواهد برای شما نامه‌ای بفرستم و گوشه‌ای از درد کشنده‌ای را که می‌کشم برایتان بنویسم.
فکر نکنید که من هم چون سایر برادران و خواهران کارگری که برای شما نامه می‌نویسند امثال من می‌شود صحبت کم، نه، از رنج دیگری حرف می‌زنم که رنج سوختن در کوره‌پزخانه در مقابل آن کوچک است.
من از بدبختی و نکبت جنگ برادرکشی

کردستان حرف دارم. به عنوان کسی که به چشم خود دیده‌ام و آثار و عواقبش را تحمل کرده‌ام. من از یک طرف شاهد سوختن دهات، قتل عام وحشیانه مردم "قارنا" ایندرفاش توسط باند مزدور ملاحسنی و معبودی و مرادقطاری و از طرف دیگر شاهد کشتار دسته جمعی پاسداران و افراد بسیج و سربازان توسط دارودسته قاسملو، کومهله و رزگاری در جاده‌ها و دشت‌های کردستان بوده‌ام.

من بر مزار ده‌ها شهید ایندرفاش، "قارنا" و "قلانان" که مزدوران حسنی آنها را به رگبار بستند و با قمه سینه‌هایشان را شکافتند، اشک ریخته‌ام و برای ۸۰ نفر جوان کارگر و دهقان که توسط دستجات باند قاسملو تحت فرماندهی یک افسر سلطنت طلب و ضد انقلابی، شهید شدند گریه کرده‌ام.

چند بار که به کردستان رفتم و به مردم گفتم که در کوره‌پزخانه‌های تهران پاسداران از حق کارگر دفاع می‌کنند اصلاً باورنکرده‌اند، زیرا پاسداری که در کردستان به دستور حسنی می‌جنگد و دهات و شهرها را به گلوله می‌بندد و به وسیله دارودسته قاسملو به مردم کردستان مرفی می‌شود هیچ شباهتی با پاسداری که به

کوره‌پزخانه می‌آید و به پشتیبانی از ما رو در روی سرمایه‌دار می‌ایستد، ندارد.

باید دولت جمهوری اسلامی بداند که به خاطر اعمال جنایت‌کارانه حسنی و معبودی و مراد قطاری و امثال آن‌هاست که مردم کردستان از دولت ناراضی هستند و حتی در جاهایی که کشتاری توسط آن‌ها صورت می‌گیرد عده زیادی از مردم تحت تبلیغات دارو دسته قاسملو و سایرین، مسلح شده‌اند تا از خودشان در مقابل یورش حسنی و آبیادی‌اش دفاع کنند.

در خاتمه از تمام کسانی که حساب خودشان را از ملاحسنی‌ها و قاسملوها جدا کرده‌اند تقاضا می‌کنم که برای برقراری صلح و پایان بخشیدن به جنگ ظالمانه کردستان تلاش نمایند و این مردم زجر کشیده را که دو سال است شب و روز ندارند از این وضع نجات دهند.

امیدوارم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ادامه راه انقلابی خود پیروز باشد.

امضاء محفوظ - کارگر کوره‌پزخانه
۱ تیر ماه ۱۳۶۰

ردیابی تاکتیک امپریالیسم

تجارب برخورد با دولت میان‌رو

اکنون با متواری شدن ابوالحسن بنی‌صدر و انتخاب آقای رجایی به ریاست جمهوری نقشه امپریالیسم جهانی پشورگردگی امپریالیسم آمریکا برای روی کار آوردن دولت میان‌رو با شکستی مقضمانه مواجه شده است. امپریالیسم، لاف‌لر در این مرحله، دیگر قادر نیست از طریق نفوذ دادن عناصر خود، بطور مستقیم و بلاواسطه قدرت سیاسی را به دست دولت میان‌رو سپارد. امپریالیسم آمریکا که با شکست اهداف اساسی جنگ تحمیلی در صدام، که مشخصاً به همت مقاومت دلیران حاصل شد و فداکاری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی حاصل شد، از نو به فکر روی کار آوردن دولت میان‌رو افتاده بود. اینک با سقوط بنی‌صدر نقشه‌اش با شکست مواجه شده است. امپریالیسم همانگونه که ساهده می‌کنیم با هر شکستی ردیابانه تر و دستانه‌تر و در عین حال نه از موضعی نیرومندتر علیه انقلاب ایران نوظنه می‌چیند. اکنون زمان آن است که بر پایه تجاربی که از پیکار اخیر بدست آورده‌ایم از نو موشکافانه تاکتیکها، طرحها، نقشهها و امکانات امپریالیسم را دقیقاً ارزیابی کنیم. این کار برای پیروزی ما در پیکار علیه امپریالیسم اهریتی حیاتی دارد.

سرشت آتارشیستی این گروهها مشتاق آنست که جناح‌های حاکم یکدیگر را بکنند. آنها ظاهراً می‌گویند: زهر طرف که شود کشته به سود ایشان است. اما در عمل از هیچ چیز به اندازه شکست جریان لیبرالی نمی‌ترسند. آنها حتی آماده‌اند روی این شکست‌ها نام علیه لجام گسیخته فاشیسم بگذارند. هیچ آرزویی برای آنها شیرین‌تر از این نیست که جناح‌های حاکم آفندر به هم دیگر مشغول باشند که آنها فرصت پیدا کنند تا می‌توانند خلوغ‌کاری کنند، بیپرده سبت که آنها این همه از درهم شکسته شدن سنگرهای بسیار محکم بورژوازی در حکومت و گسترش فطرو خط‌امام نگران شده‌اند.

از مهم‌ترین پیروزی‌هایی که جنبش کمونیستی ایران که در دو ساله اخیر به دست آورده است ضربات قاطع و غیر قابل حیرانی است که بر مواضع مائوئیسم و آتارشیسم وارد ساخته است. این گرایش‌ها طی چند سال اخیر وسیعاً اما و منفرد شده‌اند. این جنبش اکنون مومنی شده‌است صف هواداران اصیل مائوئیسم علی را (که در سازمان‌های حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکیل شده‌اند) از طیف جریان‌های مائوئیستی، لیبرالی، آتارشیستی و امثالهم جدا سازد و این جریان‌ها را چنان منفرد سازد که می‌بینیم.

از این نظر دیگر گفتنی بیرون حال و روز این گروهها زیاد نیست. تنها باید روی این حقیقت تلخ انگشت گذاشت که متأسفانه در عمل می‌بینیم که روند تحول و تعمیق انقلاب ما این گروهها را از حالت بینابینی به سوی استقرار در مواضع صد انقلابی رانده است. این گروهها در روندهای آتی با از بین می‌روند و یا به سوی اتحاد عمل همه‌جانبه با نیروهای طبقات ارتجاعی و باندهای سرسپرده امپریالیسم، به سوی

اجرای نه‌کاری‌هایی که راه پیشرفت نقشه‌های جدیدتر امپریالیسم را هموار می‌کند، به سوی تبدیل شدن به باندهای بی‌چیره موجب و یا با چیره موجب امپریالیسم سوق می‌یابند. آینده‌ای که سراسر تأسف‌بار است.

آیا امپریالیسم

هنوز به دولت میان‌رو امیدوار است؟

مضمون اساسی تحولات برق‌آسای، در ماهه اخیر که با نمود بنی‌صدر از فاشیسم اساسی و همدستی آشکار وی با ضدانقلاب آغاز و با انتخاب رجایی به جانشینی وی پایان می‌یابد عبارت است از فتح مهم‌ترین مواضع بورژوازی در حکومت و شکست فاحش تاکتیک "دولت میان‌رو". بی‌آمدهای این شکست امپریالیسم و دست‌آوردهای پیروزی خلق علیه امپریالیسم (که برای ارزیابی آرایش نیروهای طبقات و اتخاذ سیاست در برابر آن مطلقاً ضروری است) بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

اقتصادی خود در ایران و تمام عسار طبقاتی و قدرت مردم‌پرستی خود را به حمایت از بنی‌صدر نگار انداخته است تا خط‌امام را سرنگون کند و دولتیسی بنی‌صدری روی کار بیاورد. دولتی که در عاقبت امر با دولت "مفقول و میان‌روی" مطلوب امپریالیسم تفاوت و فاصله اساسی ندارد.

حرف‌های بی‌سروته

وصراحت عمل چه‌روها

در تمام این مدت گروه‌های چپ‌رو و چپ‌نما مانند اقلیت و راه‌کارگر با به پای سازمان آمریکایی پیکار و شرکا علیه حزب جمهوری (خط‌امام‌ها) علیه لیبرال‌ها زیاد گردوخاک کردند. این گروهها که تحایلات آتارشیستی گروه‌های اجنماعی در حال حلیق طبقاتی را سازمان می‌دهند در کشاکش میان جناح‌های جمهوری اسلامی مواضعی درهم و برهم، بی‌سروته و مضبوط داشته‌اند. آن‌ها برخلاف بنی "بمطور کلی" هر دو جناح را دشنام می‌دادند. اما درست مثل بقیه

در عمل در هر مورد مشخص جنون‌آمیزترین حملات را را متوجه خط‌امام کردند و صراحتاً حرف دل لیبرال‌ها و سلطنت‌طلبان را پاسخ گفتند. اغنشتاتی فکر و صراحت عمل این گروهها عمیق‌تر و آشکارتر از آن‌است که بررسی‌های حدی‌تری را اجاب نماید. تاکتیک این گروهها که ساقط کردن خط‌امام است تاکتیک است که وظیفه مستقیم هموار کردن راه برای اجرای نقشه‌های امپریالیسم و جانشینی دولت میان‌رو بوده است. در تمام این مدت تمام دشمنان این جمهوری نه‌تنها نازک‌تر از گل به این‌ها نگفتند، بلکه هرکجا که فرصت کردند دست دوستی و اتحاد عمل به سویشان دراز کردند.

با اوج‌گیری مبارزه علیه خط‌سازش و سقوط بنی‌صدر، این گروهها در دشنام پراکنی علیه لیبرال‌ها هم‌بچند نظر کردند. آنها در این اواخر خط‌امام را "دشمن اصلی" برار دادند و "اکثریتی‌ها" و توده‌ای‌ها را هم "دشمنان فرعی" آنها این طور تحلیل می‌کردند که گویا "اوج‌گیری و افشارگی‌کنگی ارتجاع به حدی رسیده است که حتی لیبرال‌ها را هم سرکوب می‌کند. سپس هراسان شعار می‌دادند که "پس باید با تمام نیرو در برابر ارتجاع حاکم بایستیم".

نقطه ضعف تمام گروه‌های چپ‌رو آن است که در تحلیل موقعیت واقعی در عمل، امپریالیسم را از یاد می‌برند و به همین دلیل علیرغم داد و بیدادهای گوش‌خراشان چه بسا که تا مغز استخوان در عمل مجری خواسته‌ها، سیاست‌ها و اهداف امپریالیسم و منافع بورژوازی کردند.

تاکتیک انقلابی در برخورد با تاکتیک

"دولت میان‌رو"

مروری بر آنچه که در ماههای اخیر در پیچ‌ما رخ داده است و سیاستی که جریان‌های سیاسی مختلف در برخورد با این رویدادها اتخاذ کرده‌اند حاوی تجارب و درس‌های گرانقدری است. بررسی کدام سیاست در برخورد با تاکتیک اخیر امپریالیسم سیاسی درست و اصولی و انقلابی بود؟

در ماههای اخیر دیدیم و می‌بینیم که امپریالیسم چگونه تمام پس‌مانده‌های پیروی سیاسی و تمام سروری

نسخه از صفحه ۳

تجارب برخورد...

به ضدانقلاب و فرار گرفتن آنان در حلقه باران امپریالیسم چربترین لقمه‌ایست که امپریالیسم می‌بلعد. این سیاست از همان ابتدا بی‌صدر را نه به علت سر و سرش با لیبیرال‌ها و جنگ‌هایش به امپریالیست‌ها (به ویژه نوع اروپایی و ژاپنی آن) نه به دلیل جعلیات وی در باره اتحاد شوروی و بیسند کردن سیاست آشکار ضد شوروی، بلکه به دلیل تحلیل و ستایش از مصدق و "کوتاهی در کوشیدن مجاهدین" (که در آن زمان سیاسی جزاین داشتند) مورد حمله قرار می‌داد. این سیاست از همان ابتدا مجاهدین خلق را نه به دلیل چشمک‌هایشان به لیبیرال‌ها نه به دلیل نادیده گرفته خطر امپریالیسم بلکه مشخصاً به دلیل عناصر ترقی خواهانه‌ای که در معتقدات بنیان‌گذاران آن سازمان وجود داشته است، به دلیل عدم شرکت در اقدامات ضد کمونیستی و به دلیل عدم تمکین به تعالیم ضد شوروی مورد شدیدترین حملات قرار می‌دادند (رجوع شود به جریان سعادت‌نی و ماموع). برای اینکه نشان دهیم که قنبریت و مذهب تنها پوششی است برای این سیاست کافی است توجه کنیم که چگونه سرسخت‌ترین مدافعان در هرجا که تاکنون بوده‌اند هیچ‌گاه از هیچ یک از اصلاحات اساسی اجتماعی، از سمت‌گیری انقلاب علیه کلان سرمایه‌داران و فئودال‌ها، از گسترش حرکت آن به سوی اتحاد با تمام نیروهای مدافع انقلاب نه تنها حمایت نکرده‌اند، بلکه در مواردی هم که دستشان رسیده‌است جوب لای جرح انداخته‌اند. آینده بیشتر نشان خواهد داد که این خط چپ و تا چه میزان از مواضع ارتجاعی و دورویانه "علیه بی‌صدر" جنجال بی‌مورد کرده‌است.

تاریخ انقلاب به ما آموخته است که امپریالیسم آن‌جا که برای کوبیدن منخ خود هنوز اوضاع را مساعد نمی‌بیند نعل وارونه می‌زند، جمع‌بانه امین‌ها و پول‌پوت‌ها از آشکارترین نمونه‌ها هستند.

در این‌جا لازم به تذکراتی که گرچه در اوایل این سیاست منفي و تفرقه جوینه ضربات جدی روی سمت‌گیری نیروها، به ویژه جریان‌های سنیاسنی در اتخاذ روش نادرست و تقابل با جمهوری اسلامی وارد آورده است، اما نباید فراموش کرد که در این اواخر سیاست غالب بر جمهوری اسلامی، به ویژه کوشش‌های شخص امام ناظر بر این بوده است که قانون اساسی اجرا شود و نیروهایی که قانون را می‌پذیرند برانگنده و در ستیز با یکدیگر قرار نگیرند و تحت حمایت قانونی جمهوری اسلامی قرار گیرند. پیام‌های امام در همین ماه، فرمان ده ماده‌ای ۲۵ اخذ شد و تشکیل هیئت سه نفره حل اختلاف، اعلام سال ۶۰ به نام سال قانون توسط امام، اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان انقلاب اسلامی و فراخواندن احزاب و سازمان‌های سیاسی به رعایت قانون و کوشش در جهت تأمین آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی (اجازه برگزاری میتینگ، برگزاری مناظرات، نظریه‌یونی، دعوت به اخذ پروانه برای نشریات سازمان‌های سیاسی و...) پاسخ امام به نامه مجاهدین بسیاری شواهد دیگر نشان می‌دهد که علیرغم کارشکنی‌ها و تحریکات وسیعی که صورت می‌گرفت (حمله مسلحانه به مستنک محاز میدان آزادی صدور احکام اعدام کاملاً ظالمانه در برخی دادگاه‌ها و...) امام و مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی با مهار کردن سیاست قنبری کوشیدند نگذارند کار رهبران مجاهدین و بی‌صدر به اینجا بکشد، اما این سیاست درست و منطقی با بی‌درستی بی‌صدر و رجحوی‌ها و خیانتی‌ها و روش خیانت‌کارانه آنان در مورد ایشان موثر واقع نشد.

حرف‌های بی‌سروته و صراحت عمل چپ‌روها

در تمام این مدت گروه‌های چپ‌رو و چپ‌نما مانند اقلیت و راه‌کارگر یا به پای سازمان آمریکائی پیگار و شرکاء علیه حزب جمهوری (خط امامی‌ها) علیه لیبیرال‌ها زیاد گرد و خاک کردند. این گروه‌ها که تعالیم آتارشیستی گروه‌های اجتماعی در حال تعلیق طبقاتی را سازمان می‌دهند در کشاکش میان جناح‌های جمهوری اسلامی مواضعی درهم و برهم، بی‌سروته و معشوش داشته‌اند. آن‌ها برخلاف بقیه "بمطور کلی" هر دو جناح را دشنام می‌دادند، اما درست مثل بقیه

در عمل "در هر مورد مشخص" جنون آمیزترین حملات را را متوجه خط امام کردند و صراحتاً حرف دل لیبیرال‌ها و سلطنت طلبان را پاسخ گفتند. اغتشاش فکر و صراحت عمل این گروه‌ها عمیق‌تر و آشکارتر از آن‌است که بررسی‌های جدی‌تری را ایجاب نماید. تاکتیک این گروه‌ها که سافظ کردن خط امام است تاکتیک است که وظیفه مستقیم هموار کردن راه برای اجرای نقشه‌های امپریالیسم و جانیشینی "دولت میانه رو" بوده است. در تمام این مدت تمام دشمنان این جمهوری نه تنها نازک‌تر از گل به این‌ها نگفتند، بلکه هرکجا که فرصت کردند دست دوستی و اتحاد عمل به سویشان دراز کردند.

با اوج‌گیری ساززه علیه خط سازش و سقوط بی‌صدر، این گروه‌ها در دشنام یراکی علیه لیبیرال‌ها هم تجدید نظر کردند. آنها در این اواخر خط امام را "دشمن اصلی" قرار دادند و "اکثریتی‌ها و بوده‌های‌ها" را هم "دشمنان فرعی" آنها این طور "تحلیل" می‌کردند که گویا "اوج‌گیری و انفجار گسختگی ارتجاع به حدی رسیده است که حتی لیبیرال‌ها را هم سربوکا می‌کند". سپس هراسان شعار می‌دادند که "بسی باید با تمام نیرو در برابر ارتجاع حاکم

سرشت آتارشیستی این گروه‌ها مشتاق آنست که "جناح‌های حاکم یکدیگر را بکوبند". آنها ظاهراً می‌گویند: زهر طرف که شود کشته به سود "ایشان" است اما در عمل از هیچ چیز به اندازه شکست جریان لیبیرالی نمی‌ترسند. آنها حتی آماده‌اند روی این شکست‌ها نام "غلبه لحام گسخته فاشیسم" بگذارند. هیچ آرزویی برای آنها شیرین‌تر از این نیست که جناح‌های حاکم آنقدر به هم دیگر مشغول باشند که آنها فرصت پیدا کنند تا می‌توانند تلوع‌گاری کنند. بیپوده نیست که آنها این همه از درهم شکسته شدن سگرهای سمار محکم بورژوازی در حکومت و گسترش فلعرو خط امام نگران شده‌اند.

از مهم‌ترین پیروزی‌هایی که جنبش کمونیستی ایران که در دوساله گذشته دست آورده است ضربات قاطع و غیر قابل حیرانی است که بر مواضع مائوئیسم و آتارشیسم وارد ساخته است. این گرایش‌ها طی چند سال اخیر وسعاً افشا و منقرض شده‌اند. این جنبش اکنون موفق شده‌است صف هواداران اصیل سوسیالیسم علمی را (که در سازمان‌های حزب توده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) متشکل شده‌اند) از طیف جریان‌های مائوئیستی، لیبیرالی، آتارشیستی و امثالهم جدا سازد و این جریان‌ها را چنان منفرد سازد که می‌بینیم.

از این نظر دیگر گفتنی بی‌ارمون حال و روز این گروه‌ها زیاد نیست. تنها باید روی این حقیقت تلخ انگشت گذاشت که متأسفانه در عمل می‌بینیم که روند تحول و تعمیق انقلاب ما این گروه‌ها را از حالت سنیاسنی به سوی استقرار در مواضع ضد انقلابی رانده است. این گروه‌ها در روندهای آتی یا از بین می‌روند و یا به سوی اتحاد عمل همه‌جانبه با نیروهای طبقات ارتجاعی و باندهای سرسپرده امپریالیسم، به سوی

اجرای تبه‌کاری‌هایی که راه پیشرفت نقشه‌های جدیدتر امپریالیسم را هموار می‌کند، به سوی تبدیل شدن به باندهای بی‌حیره و واجب و یا با حیره و واجب امپریالیسم سوق می‌یابند. آینده‌ای که سراسر تأسف‌بار است.

آیا امپریالیسم

هنوز به دولت میانه‌رو امیدوار است؟

آنچه تا اینجا شمردیم سیاست‌های نیروهای بود که مستقیماً در جنبه نیروهای مدافع تاکتیک دولت میانه‌رو "قرار نداشتند. بررسی و نقادی ساختار و عملکرد نیروهای این تاکتیک باید جداگانه صورت پذیرد. جنبه‌های که از لحاظ سیاسی نیروهای وسیعی را از سلطنت طلبان و شبکه‌های مخفی ضدانقلاب سازمان یافته گرفته تا جریان‌های لیبیرالی جنبه ملی نهضت آزادی و دفتر هماهنگی تا حزب ملت ایران و جاما و جنبش و امثالهم تا مائوئیست‌های حزب آمریکائی رنجبران و بالاخره سازمان مجاهدین خلق ایران و فاسلوی کردستان و باید به این‌ها، افزود نیروی مسلح خوانین به ویژه در فارس مراجع تقلید مخالف انقلاب و ضد جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. این نیروها همگی مورد حمایت رژیم‌های ارتجاعی منطقه قرار گرفته و به آنها "مختلف از سوی آنان یاری می‌شوند. به علاوه شاهد بوده‌ایم و هستیم که در خلیج فارس و دریای عمان در سراسر مرز پاکستان و مرز عراق و مرکز ترکیه باندهای ضدانقلابی و نیروهای مسلح دولت‌های ارتجاعی علیه انقلاب ما به تلاش برخاستند. امپریالیسم جهانی، نیروی نظامی و اقتصادی خود را، نیروی تانکاز و ارماب خود را، تمام دستگاه‌های جعل خیر و اغواگری توده‌ها همه و همه را در خدمت نقشه خود قرار داده بود که فشارهای مقتضی را وارد آوردند لکن اکنون با متواری شدن بی‌صدر و انتخاب رجحانی به ریاست جمهوری تمام این نقشه‌ها و نیروها با شکست ساسی فاشیستی مواجه شده‌اند.

آیا امپریالیسم هنوز می‌تواند به روی کار آوردن "دولت میانه رو" امیدوار باشد؟ ارزیابی آرایش نیروهای طبقات در میدان اصلی بیکار انقلابی در لحظه کنونی حاکی از آن‌است که با به زیر کشیدن بی‌صدر بهترین امکانات امپریالیسم هم برای روی کار آوردن "دولت میانه‌رو" دچار لطمات جدی شده است.

مضمون اساسی تحولات برق‌آسای، دو ماهه اخیر که با نمرود بی‌صدر از قانون اساسی و همدستی آشکار وی با ضدانقلاب آغاز و با انتخاب رجحانی به جانیشینی وی پایان می‌یابد عبارت است از فتح مهم‌ترین مواضع بورژوازی در حکومت و شکست فاشیست تاکتیک "دولت میانه‌رو". بی‌آمده‌های این شکست امپریالیسم و دست‌آوردهای پیروزی خلق علیه امپریالیسم (که برای ارزیابی آرایش نیروهای طبقات و اتخاذ سیاست در برابر آن مطلقاً ضروری است) بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

نسخه از صفحه ۲۴

چرا دولت در مقابل وقوع زلزله

در اشنویه و ...

بی‌اعتنائی دولت نسبت به آسیب‌دیدگان زلزله اشنویه جز فراهم آوردن موقعیت به سود بانده فاسلوی برای پیشبرد تبلیغات ضدانقلابی او در میان خلق کرد. نتیجه دیگری ندارد.

سلم کند تا در احزاب زلزله زدگان فرار کرد. ناند فاسلوی کوبید و می‌کوبد با این کوبه می‌فرساید و با توجه به سکوت معامات و سیدهای جمهوری اسلامی، مقاصد سیاسی حاشانه خود را به بس سرده هم‌اکنون داروده فاسلوی فرصت

برخورد غیر مسئولانه دولت و سیدهای رسمی با این واقعه کنار دیگر کمرش و سیاست به‌غایت نادرست دولت جمهوری اسلامی را نسبت به مسئله کردستان آشکار می‌کند. استدلال معامات جمهوری اسلامی در توجیه این سکوت و بی‌توجهی، ظاهراً این است که چون دوازده و سه فاسلوی در منطقه اشنویه رخه نموده و در آن‌جا فوجاً حضور پیدا کرده‌اند. کمک‌های جمهوری به مردم زلزله زده کرد امکان دارد توسط فاسلوی و بانده او مورد اسفاده قرار گیرد. ما لزومی نمی‌بینیم که نسبت به نادرست بودن این استدلال خاصی گوئیم. دولت می‌بایست به طور فعال به آسب دیدگان زلزله باری می‌رساند. با زلزله زدگان معالانه همدردی نشان می‌داد و به هر طریق ممکن به زلزله زدگان کمک می‌کرد. تا علاوه بر به انجام رساندن سرفهات خود نسبت به سرنوشت مردم آسیب دیده منطقه، زمینه مناسبی جهت جمعیت کینه‌ها و خصومت‌های موجود نیز فراهم می‌آورد. حسن اقدامی می‌توانست گامی مثبت در جهت اتحاد یک سیاست اصولی و منطبق بر مصالح انقلاب از طرف جمهوری اسلامی نسبت به مسئله کردستان باشد. سازمان ما ضمن اظهار همدردی با خانواده‌های کشته شدگان زلزله اخیر، برخورد‌های غیرمسئولانه دولت و سکوت رادیو و تلویزیون و مطبوعات را نادرست دانسته و آن‌را محکوم می‌سازد. کلبه هواداران سازمان در منطقه می‌توانند از هر طریقی که می‌توانند به یاری آسیب دیدگان این حادثه تأسف آور سساختند و در حد توان راه را بر عوام فریبی‌های معالانه همدردی نشان می‌دهند و به هر طریق ممکن به زلزله زدگان کمک می‌کرد. تا علاوه بر به انجام رساندن سرفهات خود نسبت به سرنوشت مردم آسیب دیده منطقه، زمینه مناسبی جهت جمعیت کینه‌ها و خصومت‌های موجود نیز فراهم می‌آورد. حسن اقدامی می‌توانست گامی مثبت در جهت اتحاد یک سیاست اصولی و منطبق بر مصالح انقلاب از طرف جمهوری اسلامی نسبت به مسئله کردستان باشد. سازمان ما ضمن اظهار همدردی با خانواده‌های کشته شدگان زلزله اخیر، برخورد‌های غیرمسئولانه دولت و سکوت رادیو و تلویزیون و مطبوعات را نادرست دانسته و آن‌را محکوم می‌سازد. کلبه هواداران سازمان در منطقه می‌توانند از هر طریقی که می‌توانند به یاری آسیب دیدگان این حادثه تأسف آور سساختند و در حد توان راه را بر عوام فریبی‌های معالانه همدردی نشان می‌دهند و به هر طریق ممکن به زلزله زدگان کمک می‌کرد. تا علاوه بر به انجام رساندن سرفهات خود نسبت به سرنوشت مردم آسیب دیده منطقه، زمینه مناسبی جهت جمعیت کینه‌ها و خصومت‌های موجود نیز فراهم می‌آورد.

روز جمعه ۲ مرداد

هر رای یک شعار "مرگ بر آمریکا" بود

● آراء میلیونی توده‌های مردم توطئه‌های "جبهه متحد ضد انقلاب را" که با ترور و بمب‌گذاری و تبلیغات مسموم به میدان آمده بود خنثی کرد.

● در پای صندوق‌ها مردم تنها رأی نمی‌دادند، بلکه از آینده انقلاب، از تداوم مبارزه علیه آمریکا و ضرورت وحدت و همبستگی سخن می‌گفتند.

روز جمعه دوم مرداد ماه در پایان دوره‌ای پرتلاطم و آغاز مرحله‌ای نویی از مبارزه پیگیر مردم ایران، سرانجام توده‌های میلیونی با حضور یکبارچه در پای صندوق‌های رای منت محکم دیگری بر دهان امپریالیسم جنایتکار آمریکا و ضدانقلابیون رنگارنگ ریز و درشت گویدند. ضدانقلاب که از قبل می‌دانست پیروزی مردم در این انتخابات به معنای پیروزی خط انقلاب و مشکل‌تر شدن صفوف خلق است مدبوحانه گوشیدها ترندهای گوناگون موانع و مخاطراتی ایجاد کند. نور حجت‌الاسلام بهشتی کاندیدای نمایندگی مجلس، تیس سرانندازی نسوی حجت‌الاسلام فاضل‌هوندی سرپرست هیات‌های واگذاری زمین و کاندیدای مردم اقلید بمب‌گذاری و نیراندازی به پاسداران و مسئولان احراری در نقاط مختلف کشور که سحر به شهادت بیت‌تاز ۱۱ ش از پاسداران و مردم سی‌گناه در روز رای‌گیری گشت از جمله اقدامات مخرب ضدانقلاب در تقابل با خواست توده‌های مردم برای تعیین سرپرست خویش و تداوم نبرد علیه امپریالیسم آمریکا بود. در کنار این اقدامات بلندگوهای امپریالیستی بهشتی توان خود را برای سم‌پاشی علیه انقلاب و حرکت رزمنده مردم ایران در انتخابات به کسار گرفتند. اما علی‌رغم همه ایسین توطئه‌ها مردم و سازمانهای انقلابی با ترک همسهم‌حانیه در انتخابات نقشه‌های جبهه متحد

صدانقلاب را نقش‌برآب کردند در این انتخابات بکار دیگر صف جبهه متحد براندازی به سرکردگی آمریکا در برابر صفوف متحد مردم قرار گرفت. سلطنت‌طلبان، "بختیاری" ها، لیبرالها بی‌صدرو وابستگانش، خلق مسلمانی‌ها بعضی از مراجع تقلید و روحانیون مرتجع دشمن انقلاب، خوانین و فئودالها و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و درکنار آنان باند قاسطو، پیکاری‌ها، محاهدین، اقلیت و... در برابر مجموعه نیروهای مدافع انقلاب و انبوه میلیونی توده‌ها صف کشیدند. تفاوت چشمگیر این انتخابات با انتخابات قبلی در حمایت یکبارچه و فشرده تمامی مردم و نهادها و نیروهای انقلابی از خط انقلاب بود. در عوض بسیاری از جریان‌ها و عناصری که این بار انتخابات را تحریم کردند، در دور قبلی انتخابات ریاست جمهوری مبلغین یا حیره و موجب (و ایضا بی‌حیرتو موجب) تبسار مدنی و بی‌صدربودند. در دور گذشته اگر حنای اینها رنگی داشت و اگر بسیاری از مردم بدون ساخت کانی آراء خود را به صندوق‌ها ریختند این بار با آگاهی و مسئولیت سبزر و برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب و تداوم خشنیدن به آن به پای صندوق‌ها رفتند. این‌گونه بدویزه در میان کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش جامعه شیخ از هرزمان به چشم می‌خورد. در تهران و شهرستان‌ها و روستاها

امام خمینی: "یک سیلی خوردیم از اشتباه همه ناسامانی‌هایی که الان داریم، برای آن که اشتباه کردیم. نباید اشتباه تکرار شود"

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: "رئیس جمهور باید دسایس شیطان بزرگ را بشناسد"

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: "با شرکت در انتخابات آمریکا رامایوس خواهیم کسرد"

جامعه روحانیت مبارز: "امید استکبار جهانی سرکردگی امریکای خودخوار و به یاس کامل مبدل کنید"

دفتر تحکیم وحدت انجمن‌های اسلامی: "در انقلاب سوم خطوط غرب‌گرا و رو به آمریکا را به زیر می‌کشیم"

جنش مسلمانان مبارز: "حضور مردم در انتخابات خاری برچشم دشمن"

حزب توده ایران: "رئیس جمهور آینده باید دشمن آشتی‌ناپذیر امپریالیسم جهانی ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی سرکردگی امپریالیسم آمریکا باشد"

فدائیان خلق (اکثریت): "تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار "مرگ بر آمریکا" فراموش گردد"

در "زورآباد" کرج این جمله که بزرگ‌نویسی شده بود جلب نظر می‌کرد:

رئیس جمهور آینده باید دسایس شیطان بزرگ را بشناسد

اینگونه عبارات و جملات که در خود روح انقلاب و تبلور خون شهیدان را داشت و از مبارزه علیه آمریکا و تمامین منافع کارگران و زحمتکشان سخر می‌گفت در گوشه و کنار شهر دیده می‌شد. شعارها، صفها و انتظارها دسست‌های بینه‌سته و چهره‌های آفتاب خورده، بیمها و امیدهای مردم، انتظارات و توقعات برحق مردم از انقلاب، در روز دوم مرداد، در آرائی که به صندوق‌ها ریخته می‌شد خلاصه می‌گردید. و هفتاین تلاش‌ها نشان می‌داد که: "مرگ بر آمریکا" فراموش نخواهد شد اکنون "تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار "مرگ بر آمریکا"

"فراموش گردد" این شعار فدائیان خلق اکثریت بیان کامل خواست و رای مردم و جوهر حرکت آنان در روز دوم مرداد ماه ۱۳۶۰ بود. روزی که هر رای یک شعار "مرگ بر آمریکا" بود.

در این روز نیز مانند همه لحظات پیش‌رفت و پیروزی این انقلاب خونبار نقش زنان، زنان زحمتکش و رنج‌دیده، زنان کودکان بر گرفته بر دوش و در آغوش چشمگیر و قابل تاکید بود. در دوم مردادماه، یکبار دیگر نقش انقلابی زنان زحمتکش در انقلاب ایران و در پیشرفت و تعمیق آن به عینه مشاهده گردید. در دوم مرداد ماه ۱۳۶۰، انقلاب جلوه شورانگیز و هستی‌ساز دیگری داشت. دوم مردادماه یکی از روزهای پیروزی مردم و روز شکست فضاخت‌یار جبهه براندازی سرکردگی آمریکا بود.



سوقصد به جان امام جمعه بهشهر توطئه ضد انقلاب است

مازندران - شاخه مازندران سازمان طی
اعلامیه‌ای با عنوان فوق سو قصد به جان امام
جمعه بهشهر را محکوم نموده و نوشته است:
«ماطمینان داریم که حجت‌الاسلام جباری ،
چون گذشته ، در خط مردمی و ضدامپریالیستی
امام خمینی ، با واقع بینی از جریان استقرار
قانون که خارجشم ضدانقلابیون است دفاع
خواهند کرد .»



از اقدامات انقلابی پوسل زندانمیری منوجان حمایت کنیم

منوجان - هواداران سازمان در منوجان صبر

اعلامیه‌ای اقدام انقلابی پوسل زندانمیری
منوجان را در سرکوبی قاچاق‌چیان و استمرار
مورد تأیید قرار داده و حمایت خود را از این
عمل اعلام داشتند . در این اعلامیه ضمن تشریح
اوضاع منطقه و فعالیت ضدانقلابی قاچاق‌چیان ،

ضرورت همکاری وسیع نیروهای بومی و پوسل
زندانمیری در سرکوبی قاچاق‌چیان را مورد تأکید
قرار داده و خاطرنشان نموده‌اند: «اگر چه
اقدام جوانان انقلابی و متعهد در آگاه نمودن
مردم جهت از بین بردن اغیبات مؤثر بوده
است ، لیکن همکاری نیروهای انتظامی در منطقه
ضروری است.»

احیرا زندانمیری منوجان با اجرای برنامه
مبارزه با مواد مخدر ، مأمورین کشی خود را
به طور شبانه روزی در منطقه گسیل داشته است
که ناگهون تعدادی قانعیمی - سنگیر و زاعی
دادگاه‌ها نموده‌اند این حرکت که در جهت
سایع مردم و مصالح انقلاب می‌باشد ، مورد
حمایت ما -



فعالیت براندازی اشرا و ضدانقلابیون

بالا گرفته است

بوشهر - ضدانقلابیون و اشرا با راهزی و اقدامات خرابکارانه به فعالیت محرب خود در مناطق بوشهر و بزازجان افزوده‌اند . بمب‌گذاری و حمله به مراکز نهادهای انقلابی از جانب گروه‌های ضدانقلابی در شهرها ، به راهزنان و اشرا مسلح فرصت داده است تا با بستن جاده‌ها به قتل و غارت مردم بپردازند ، در همین حال - سپاه پاسداران و نهادهای انقلابی می‌کوشند با دستگیری ضدانقلابیون ، مانع گسترش فعالیت‌های براندازی آنان شوند . اخیراً عده‌ای از راهزنان با بستن جاده‌های جم‌گنه‌دار و کنگان - حم به جی‌اولگری و آزار و اذیب مردم پرداختند که با اقدامات قاطع نیروهای انقلابی مواجه و مجبور به فرار شدند . این راهزنان از وابستگان خوانین و سران طوایف بهادری و رفیعی هستند . در تاریخ ۱۵ تیر ۶۵ میان پاسداران و عده‌ای از اشرا مسلح که به وسیله " غلام معصومی " و " حسن رضائی " رهبری می‌شوند ، درگیری روی

داد که منجر به شهادت سه تن از پاسداران شد . این دو نفر که تاکنون تعدادی از افراد نظامی و مردم بی‌گناه را به قتل رسانده‌اند ، پس از انقلاب " امان نامه " دریافت داشتند ولی همچنان به فعالیت‌های ضدانقلابی ادامه دادند . پاسداران در یک حرکت انقلابی عده‌ای از اشرا و وابستگان آنان از جمله رئیس بسیج حم و روحانی محل به نام " شیخ محمدتقی " را دستگیر کرده‌اند و در تعقیب سایر اشرا هستند . در اواسط تیرماه خانه استاندار بوشهر و محل انجمن اسلامی صلح آباد و دفتر حزب جمهوری اسلامی بوشهر از طرف ضدانقلابیون به رگبار بسته شد که خوشبختانه تلفاتی در بر نداشت . در تاریخ ۱۶ تیرماه ۶۵ مفر سپاه پاسداران و شعبه مرکزی یکی از بانک‌های بزازجان نیز با کونکتر مولوتف مورد حمله فرار گرفت که دو نفر از مهاجمین دستگیر شدند . در تحقیقات بعمل آمده مشخص شد که ضدانقلابیون در تدارک به آشوب کشاندن بوشهر و بزازجان و مناطق اطراف می‌باشند و در این زمینه با خوانین قشغائی رابطه دارند .



ارگان سراسری سازمان فدائیان خلق ایران (اکتویت)

چهارشنبه ۷ مرداد ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۰ - صفحه ۱۶

(قسمت آخر)

مباحثه رفیق مهدی قنابور و رفیق دانشگری کازمیدای سازمان برای انتخابات میان دوره ای مجلس

دربو ابرخط سازش همچنان از خط امام بدون کوچکترین تزلزل دفاع خواهیم کرد

پیکر انقلاب از دست انحصار طبان و تنگ نظران زخم ها دیده و خواهد دید ←

به مناسبت دومین سال برگزاری نماز جمعه
در دانشگاه تهران

نماز جمعه منادی مبارزه علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و لیبرالیسم

نماز جمعه که از آئین‌های متحدان آن می‌پردازند. بسیار قدیمی و سنتی مسلمانان است در جامعه انقلابی و خروشان ما نقش و توده‌های شرکت کننده در وضعونی انقلابی به خود گرفته و به سنگر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بدل شده است. در جمعه هر هفته ، میلیون‌ها تن از هموطنان زحمتکش و مسلمان میهنمان در سراسر ایران در این آئین مردمی شرکت کرده و ضمن انجام فریضه دینی به نمایش‌های سیاسی عظیم علیه امپریالیسم ، صهیونیسم و

ساخته و حیل‌های آن را در مقابل با انقلاب ایران رسوا سازند . فریادهای رسای مری بر آمریکا در نمازهای جمعه نوید بخش ادامه مبارزه قاطع مردم علیه دشمن اصلی مردم ایران امپریالیسم آمریکا است . نماز جمعه پا به پای پیشرفت انقلاب خصلت آگاه‌گرانه‌تری به خود گرفته است . اکنون به موازات آشکار شدن کارشکنی‌ها و تلاش‌های حناپنگارانه لیبرال‌ها و دیگر پیروان خط سازش ، نماز جمعه نیز بیش از پیش حصلت ضد لیبرالی گرفته و تربیون آن به اسلحه‌های برای مبارزه با امپریالیسم تبدیل شده‌است . بدون تردید نماز جمعه نقش مهم و انکار ناپذیری در افشای لیبرالیسم و خط سازش و شکست توطئه‌های منادیان سازش و تسلیم بر عهده داشته است . مبارزه علیه امپریالیسم و لیبرالیسم دو خصیصه سیاسی عمده نماز جمعه در طول ۲ سال گذشته بوده است . خصلت انقلابی دیگر نماز جمعه در شرایط کنونی نقش بسج ککنده و وحدت آفرین آن است . نماز جمعه محصور دائم مردم در صحنه و بسج و شکل محروم‌ترین مردم میهن با نقش قاطعی ایفا

کرده است . استقبال کنندگان از این آئین سیاسی - مذهبی که جنبه مردمی ، ترقی خواهانه ، و ضد امپریالیستی دارد ، از میان رحمت‌کش‌ترین افتخار جامعه ما بوده و این توده عظیم با حضور خود در نماز جمعه در سراسر ایران همواره نشان داده است که در صحنه حاضر حاضر و آماده هرگونه جاننازی و فداکاری برای دفاع از انقلاب خونبار میهنمان بوده‌اند . به همین وجه تاریخی نیست که هر بار امپریالیسم آمریکا و حامی داخلی آن به شوکهای آشکار علیه انقلاب دست زدند ، مردم با سنجی ضرورت در آئین‌های نماز جمعه شرکت کرده و آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب نشان داده‌اند . حقوق مردمی که به این سال هر توطئه‌های فشرده‌تر از پیش عکس‌های نماز جمعه را بر ساخته ، نشان‌دهنده این واقعیت است که توده‌های مردم به " نماز جمعه " به تابه سنگر مبارزه علیه امپریالیسم و دفاع از انقلاب نگریسته و انتظار دارند که این سنگر همچنان ، علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن پایدار باقی بماند .

در پایان این مختصر به دو نکته با اهمیت دیگر نیز بیامون نمازهای جماعت باید اشاره کرد : نکته اول نقش نمازهای جمعه در تشکل و بیداری زنان محروم و زحمتکش میهنمان است . هر هفته میلیون‌ها زن ایرانی آن هم از محروم‌ترین لایه‌های اجتماعی در نمازهای جماعت حضور می‌یابند ، از جنایات امپریالیسم جهانی و توطئه‌های جنبه براندازی به سرکردگی آمریکا آگاهی یافته و برای شرکت فعال‌تر در پیکار علیه امپریالیسم و متحدان آن آماده می‌شوند . بدون تردید از جمله بزرگ‌ترین دست‌آوردهای نماز جماعت بسیج میلیونی زنان زحمتکش و محروم جامعه در مبارزات سیاسی و اجتماعی است . نکته دوم ، نقش فعال نماز جماعت به ویژه در دو مرکز مهم آن تهران و قم در تحکیم پیوندهای انقلابی خلق‌های ایران و منطقه در مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و صهیونیسم است . خطبه‌های عربی امامان جماعت اثرات ترقی خواهانه در بسیج همه خلق‌های مسلمان منطقه و جهان علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا صهیونیسم بر جای گذاشته است .

هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد مشتی که بر پیوزه امپریالیسم و صهیونیسم فرود می آید قوی تر است

جهانی قدر اعلام کردند . اعلام روز جهانی قدس توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران ستاره آزاده مردم ما در مبارزه برای آزادی فلسطین اتالی و سرنگونی رژیم نژادپرست صهیونیستی است . میهن ما پیش از انقلاب به مثابه یکی از کشورهای زیر سلطه امپریالیسم جهانی ، تکیه‌گاه دولت صهیونیستی بود و رژیم شاه به همان میزان که از انقلابیون ایران دشمنی داشت با انقلابیون فلسطین و با خلق فلسطین سر دشمن بود . انقلاب ایران نور و امید و پیروزی در دل‌های مردم منطقه دمید اما بدون تردید پیروزی این انقلاب برای خلق فلسطین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود چرا که با پیروزی انقلاب میهن که یکی از مهمترین تکیه‌گاه‌های صهیونیسم به تکیه‌گاه نیرومند انقلاب فلسطین بدل گشت . انقلابیون ایران و مردم ایران که همواره خود را در کنار خلق فلسطین احساس کرده‌اند ، امروز می‌توانند دست در دست برادران فلسطینی و سایر برادران عرب خود بنده امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه کنند . روز قدس تحلی و همبستگی خلق ما با خلق فلسطین و سایر جنبه‌های مبارز منطقه است . سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به اساس انقلابی خود در مراسم روز قدس شرکت می‌کند و همه مردم مبارز ایران را به شرکت هرچه فعالتر در این روز قرا می‌خواند . هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد ، مشتکی که بر پیوزه امپریالیسم و صهیونیسم فرود می آید ، قوی تر است .

امام خمینی در هجدهمین سال پس از انقلاب سهیم ، آخر جمعه رمضان را روز

پیروزی نیروهای مسلح جمهوری در کرخه کور شکست دیگری برای جنبه براندازی به سرکردگی امریکای جنایتکار

جنبه کرخه کور، یاد شهدای این نبرد پیروز و نیز همه شهیدانی را که در راه دفاع از انقلاب و میهن انقلابی، پایمردانه ایستادند و جان باختند، گرامی می‌داریم. ما اعتقاد راسخ داریم که تا رسیدن به صلحی عادلانه که تنها با بیرون رفتن ارتش متجاوز صدام جنایتکار از خاک میهنمان تحقق خواهد یافت در شرایطی که جنبه براندازی بسرکردگی امریکا در نتیجه عزم و اقدام انقلابی خلق و نیروهای مدافع انقلاب درهم شکسته شده است، نیروهای مسلح ما پاسداران، ارتش، بسیج و انقلابیون کمونیست در میدان رزم هر روز شاهد پیروزی‌های بار هم بیشتری خواهند بود.

پیروزی جنبه کرخه کور را باید ادامه پیروزی‌های نیروهای انقلاب بر خط‌سازش دانست. این پیروزی‌ها که هر یک زمینه‌ساز پیروزی بعدی است، نشانگر ایمان استوار رزمندگان ایرانی به انقلاب و نبرد در راه دفاع از میهن انقلابی است و متقابلاً شکست‌هایی که بی‌در پی بر صدام جنایتکار وارد می‌آید، نشان بیگانگی سربازان و درجه‌داران و افسران عراقی از هدف‌های جنگ تحمیلی رژیم صدام است. پیروزی نیروهای مسلح جمهوری و شکست‌های ارتش متجاوز صدام قانون هر جنگی است که در یک سوی آن ارتجاع متجاوز و در سوی مقابل آن انقلاب قرار دارد. ماضی ابزار گرم‌ترین درووها به جنگاوران قهرمان

سحرگاه روز دوشنبه پنجم مردادماه رزمندگان قهرمان جنبه کرخه کور در جریان یک عملیات قاطع بر دشمن متجاوز ناخته و بر اساس اطلاعاتی سپاه پاسداران دشمن را هشت کیلومتر از خط مقدم آتش، عقب راندند. بر طبق گزارشات رسیده، دشمن با تحمل تلفات سنگین و منجمد از دست دادن وسایل و تجهیزات جنگی قابل‌توجه و نیز اسیر شدن ۸۸ نفر از افراد آن مجبور به هزیمت شد. در جریان این حمله که از مدتی پیش برنامه عملیات آن تدارک دیده شده بود ۶ نفر از مدافعان قهرمان میهنمان شهید و ۲۵ نفر دیگر از رزمندگان مجروح شدند. گل پیروزی در کرخه کور در خون این قهرمانان شکفت.